

# امام علی رضی الله عنه و اسلام ستیزان ایرانی

تهیه شده در :

رد شبهات ملحدین



no-atheism.com



no\_atheism



islamway1434

# فهرست مطالب

## موضوع

## صفحه

مقدمه .....	۲
امام علی بن ابی طالب و تعدد ازواج .....	۲
امام علی بن ابی طالب، زاهد یا غنی؟! .....	۳
امام علی بن ابی طالب و دیدگاه ابن حزم در باره ی ثروتش .....	۶
نقش تاریخی حضرت علی در کشتارهای دسته جمعی.....	۶
۱. کشتار بنی قریظه .....	۶
۱,۱. بیان خیانت بنی قریظه و استحقاق مجازات .....	۷
۱,۲. پاسخ به شبهه کشتار بنی قریظه .....	۹
۲. حضرت علی و کشتار خاندان ازد .....	۱۰
۳. حضرت علی و کشتار خوارج .....	۱۱
۴. حضرت علی و کشتار ایرانیان .....	۱۲
۴,۱. سرکوب شورش شهر ری .....	۱۲
۴,۲. سرکوب شورش فارس و کرمان .....	۱۴
۴,۳. شهر استخر و سرکوب شورش آنجا .....	۱۴
۴,۴. امام علی و سکوت در مقابل مصادره ی زمین های مردم آذربایجان توسط اعراب .....	۱۵
۵. نبرد لیلۃ الہریر .....	۱۸
۶. سوزاندن عبدالله خرمی و یارانش .....	۲۰
۷. حضرت علی و کشتار مرتدین بعد از وفات پیامبر .....	۲۱
امام علی و ایرانیان و قهرمان کشتار جمعی .....	۲۳
قهرمان و قاتل خشن واقعی، کیست؟! .....	۲۴
۱. کوروش کبیر ، شورش و جمع آوری غنائم .....	۲۴
۲. جنایت کمبوجیه پسر کوروش کبیر .....	۲۴
۳. سرکوب مردم (شورشیان) توسط داریوش بزرگ.....	۲۵
۴. شخصیت خشایار شاه و جنایات او.....	۲۶
۵. سورن سردار نامی ایران ، وجاهت زنانگی و شهوت پرستی او .....	۲۷
۶. جنایات اشکانیان .....	۲۸
۷. جنایات قباد و پسرش خسرو .....	۲۸
۸. لشکر کشی خسرو پسر قباد به روم و کشتار ناجوانمردانه مردم سورا .....	۲۸
منابع و مأخذ .....	۳۰

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، والصلاة والسلام علي سيدنا محمد بن عبدالله و علي آله و اصحابه اجمعين ، اما بعد :

در این مقاله – بعون الله تعالى – قصد داریم به نقد و بررسی نوشته ای بپردازیم که توسط اسلام ستیزان ایرانی درباره ی سیدنا علی بن ابی طالب -رضی الله عنه - منتشر شده است و در این نوشته شخصیت این صحابی جلیل القدر را بگمان خویش خدشه دار کردند ، که در این مقاله به بررسی این نوشته اسلام ستیزان وطن پرست (!) می پردازیم.

### امام علی بن ابی طالب و تعدد ازواج

معارض می گوید: « به لیست زنان حضرت علی توجه فرمایید: ۱. فاطمه زهرا ، ۲. خوله بنت ایاس حنیفه، ۳. لیلی بنت مسعود نهشلیه ، ۴. اسماء بنت عمیس ، ۵. فاطمه بنت حزام مکنانه به ام البنین ، ۶. ام سعید بنت عروه بن مسعود ثقفی ، ۷. امامه بنت ابو العاص بن ربیع. از حضرت علی ۳۴ فرزند بجا ماند. فرزندان دختر امام علی : ۱۶ نفر. فرزندان پسر امام علی : ۱۸ نفر »

پاسخ:

در اینجا معترض می خواهد چنین به ذهن مخاطب القاء کند که امام علی -رضی الله عنه- تنوع گرا بوده و دارای زن و فرزند بسیار بوده است در حالی که خلیفه ی چهارم اهل سنت و امام اول شیعیان و اول کسی است که مسلمان بوده است و نیز چنین وانمود کند که امام علی این زنان را یکجا داشته است لیکن ظاهرا بر معترض مشتبه گشته است ، زیرا:

اولا علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- تا زمانی که سیده فاطمه -رضی الله عنها- در قید حیات بود، هیچ زن دیگری را به همسری بر نگزید، همانطور که اهل تاریخ و سیره بدان تصریح کردند.<sup>۱</sup>

ثانیا به همسری گرفتن امامه بنت ابوالعاص -رضی الله عنها- ، به وصیت خود سیده فاطمه -رضی الله عنها- بوده است ، هنگامی که مریض شد به امام علی -رضی الله عنه- وصیت کرد که بعد از او ، با خواهر زاده اش ازدواج کند.<sup>۲</sup>

۱ . الاستیعاب فی معرفة الأصحاب لابن عبدالبر ۴ / ۱۸۹۴؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال - المزی ۳۵ / ۲۴۸ : «ولم یزوج علی علیها غیرها حتی مات»، یعنی: «علی غیر از او را به همسری نگرفت تا زمانی که (فاطمه) وفات کرد.» و همچنین بنگرید به : (الکامل فی التاریخ لابن الأثیر ۲ / ۷۴۷)  
 ۲ . أسد الغابة فی معرفة الصحابة لابن الاثیر ۷ / ۲۰ : « ولما کبرت أمانة تزوجها علی بن أبي طالب رضي الله عنه بعد موت فاطمة عليها السلام وكانت فاطمة وصت علیا أن یتزوجها، فلما توفیت فاطمة تزوجها ... »، یعنی: «هنگامی که امامه بزرگ شد، علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- بعد از وفات فاطمه - علیها السلام - او را به زنی گرفت زیرا فاطمه به علی سفارش کرده بود او را به همسری بگیرد ، آنگاه که فاطمه وفات کرد با امامه ازدواج کرد»

ثالثا برخی از این زنانی که اسامی آنها ذکر شده ، همچون اسماء بنت عمیس<sup>۳</sup> ، بیوه بودند و قبلا شوهر کردند و حتی دارای فرزند نیز بودند و علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - از باب احسان و تقبل قیومیت ، با آنها ازدواج کرده است و این چیزی شایع بوده در میان عرب ، خصوصا اینکه در احادیث صحیحه ، پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - فرموده است: «کسی که در جهت تأمین نیازهای زنان بیوه و مساکین، تلاش می کند، مانند کسی است که در راه خدا، جهاد می نماید و یا مانند کسی است که شب ها را در عبادت بسر می برد و روزها را روزه می گیرد.»<sup>۴</sup> در حدیثی دیگر از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - روایت شده است که فرمود: «کسی که یتیمی و یا زنی بیوه ای را سرپرستی کند ، خداوند سایه ی خویش را سایبانش می کند و او را داخل بهشت می کند.»<sup>۵</sup>

رابعا در نگاه نخست ، برای امام علی یا سائرین ، بنابه شریعت اسلام فقط جواز چهار زن<sup>۶</sup> در عین واحد ممکن است و حق زیادی بر آنها ندارند چرا که حرام است.<sup>۷</sup> لذا ازدواج علی بن ابی طالب با بیش از چهار زن ، یکی پس از دیگری ، بعد از وفات همسری و یا طلاق ، و ازدواج با دیگری بوده است.

خامسا در مورد فرزندان پسر و دختر امام علی رضی الله عنه ، با توجه به منقولات تاریخی و سیره ، ظاهرا ، ۱۴ پسر و ۱۹ دختر بوده است<sup>۸</sup> لیکن معهذا ایرادی ندارد چرا که کثیر الاولاد بودن از خصائص اعراب بوده است و اسلام بر آن تقریر نموده است با این وجود زیادی اولاد مایه ی فخر و تکبر نباید باشد چرا که کثرت اولاد اگر در خدمت به دین و بشریت نباشد ، فایده ای ندارد ، هرچند خود امام علی - رضی الله عنه - ، خیر را در زیادی علم دانسته نه زیادی مال و فرزند.<sup>۹</sup>

### امام علی بن ابی طالب ؛ زاهد یا غنی؟!

معارض می گوید: « حضرت علی از توانگران و ثروتمندان : حضرت علی بعد از اسلام و غارتگری اموال ایرانیان از توانگران و ثروتمندان معروف گردید. بطوریکه در شهر یثرب املاک و اراضی پر ارزش داشت و صاحب نخلستانی بود که سالانه چهل هزار دینار (معادل ۱۶۰ کیلو طلا ) در آمد داشت. تجارب السلف. صفحه ۱۳ »

۳ . اسماء بنت عمیس ، قبل از اینکه علی بن ابی طالب ، با او ازدواج کند ، دوبار ازدواج کرده بوده ، بار نخست ، با جعفر بن ابی طالب که از او سه پسر به نام های عبدالله ، عون و محمد متولد شدند ، و بعد از شهادت جعفر بن ابی طالب ، با ابوبکر الصدیق ازدواج کرد و از او نیز یک پسر به اسم محمد را به دنیا آورد و بعد از وفات ابوبکر الصدیق ، با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و یک پسر از او نیز متولد شد. بنگرید به : (الإصابة فی تمییز الصحابة لابن حجر ۸ / ۱۶ ؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال - المزی ۳۵ / ۱۲۷ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب لابن عبدالبر ۴ / ۱۷۸۵)

۴ . صحیح البخاری ۷ / ۶۲ ح ۵۳۵۳ ؛ صحیح مسلم ۴ / ۲۲۸۶ ح ۲۹۸۲ : « الساعي علی الأرملة والمسکین، کالمجاهد فی سبیل الله، أو القائم اللیل الصائم النهار. »

۵ . المعجم الأوسط للطبرانی ۹ / ۱۱۷ ح ۹۲۹۲ : « من کفل یتیما أو أرملة أظله الله فی ظله وأدخله جنته »

۶ . نساء / ۳

۷ . معالم التنزیل فی تفسیر القرآن للبیهقی ۱ / ۵۶۴ : «وهذا إجماع أن أحدا من الأمة لا يجوز له أن یزید علی أربع نسوة»، یعنی: « اجماع واقع است که هیچ کس از امت (مسلمان) بیش از چهار زن برایش مجاز نیست.» و همچنین قول اجماع علماء را ابن کثیر - رحمه الله - ، در تفسیرش نقل کرده است. بنگرید به : (تفسیر القرآن العظیم ۲ / ۲۰۹)

۸ . بنگرید به : سیره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - الصلابی ۱ / ۴۱

۹ . حلیة الأولیاء لأبی نعیم الأصبهانی ۱ / ۷۵؛ الزهد الكبير للبيهقي ، ص ۲۷۶: « ليس الخير أن یكثر، مالک وولدت، ولكن الخير أن یكثر علمک »

پاسخ:

اولا به اتفاق سیره نویسان و روایات تاریخی ، امام علی -رضی الله عنه- در زهد و تنگدستی زیست و با زهد و تنگدستی از دنیا رفت که به گوشه هایی از این ویژگی ایشان می پردازیم.

۱. یزید بن شریک می گوید: علی بن ابی طالب روزی با شمشیرش بیرون رفت و فرمود: «چه کسی این شمشیرم را می خرد ، اگر بهای پیراهنی را داشتم آنرا نمی فروختم.»<sup>۱۰</sup>

۲. عبدالله بن زریر غافلی می گوید: روز عید قربان بر علی بن ابی طالب وارد شدم و آبگوشت جلویمان گذاشت، من گفتم: خداوند تو را نیکو گرداند ، ای کاش از گوشت غاز برایمان فراهم می کردی ، خداوند نعمت زیادی را عنایت کرده است. فرمود: ای پسر زریر، همانا از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: « خلیفه از مال خداوند بجز دو کاسه حقی ندارد ، کاسه ای که با آن خود و خانواده اش بخورد و کاسه ای که جلوی مردم قرار دهد.»<sup>۱۱</sup>

۳. حبه العرنی می گوید: برای علی - رضی الله عنه - فالوده آوردند ، آنرا جلو آورد و فرمود: « خوش بو ، نیکو رنگی ، و طعم خوبی داری ، لیکن من دوست ندارم خود را به چیزی که عادت ندارم عادت بدهم.»<sup>۱۲</sup>

ثانیا امام علی - رضی الله عنه - ، از دنیا رفت در حالی که بجز هفتصد درهم چیزی دیگری نداشت ، حسن بن علی رضی الله عنهما ، بعد از شهادت پدرش ، در میان مردم خطبه خواند و فرمود: «ای مردم ! پدرم سفید (نقره) و زردی (طلا) را باقی نگذاشت بجز هفتصد درهم که به او رسیده بود که می خواست با آن خادمی را بخرد»<sup>۱۳</sup>

ثالثا یک حاکم یا رئیس جمهور و یا کسی که اداره ی یک کشور را در دست دارد ، آن هم در گذشته ، دارای سلطه و قدرت نفوذ و حق مالکیت تمام اراضی که در حیطه ی حکومتی اش است می باشد که با این دید ، امام علی - رضی الله عنه - در عصر خلافت و حکومتش بزرگترین ثروتمند بوده است ، لیکن در عین حال زاهد ترین زمانش بوده چرا که زهد به معنی نداری نیست آنطور که برخی گمان کردند بلکه زهد به این معنی است که در عین حالی که ثروتمند است ، ساده زیست باشد و هیچ تعلقی به این مال و ثروت نداشته باشد.

۱۰. مصنف ابن أبی شیبۀ ۷ / ۱۰۲ ح ۳۴۵۱۰: «من یتاع منی سیفی هذا ، فلو كان عندي ثمن إزار ما بعته» ، همچنین بنگرید به : (الزهد لأحمد بن حنبل ، ص ۱۰۸ ح ۷۰۲؛ حلیة الأولیاء لأبی نعیم الأصبهانی ۱ / ۸۳؛)

۱۱. الورع لابن أبی الدنيا ، ص ۸۹ ح ۱۲۸؛ فضائل الصحابة لأحمد بن حنبل ۲ / ۷۲۴ ح ۱۲۴۱؛ مسند الشاميين للطبرانی ۱ / ۱۴۹ ح ۲۴۰: «دخلت علی بن أبی طالب يوم الأضحی ف قرب إلینا خزیرة فقلت: أصلحك الله لو قربت إلینا هذا البط یعنی الوز فإن الله قد أكثر الخیر، فقال: یا ابن زریر إني سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: لا یحل للخلیفة من مال الله، إلا قصعتان، قصعة یأکلها هو وأهله، وقصعة یضعها بین یدی الناس»

۱۲. الزهد لأحمد بن حنبل ، ص ۱۰۹؛ حلیة الأولیاء لأبی نعیم الأصبهانی ۱ / ۸۱: «أنه أتى بالفالودج فوضع قدامه فقال: إنك لطیّب الریح حسن اللون طیب الطعم ولكن أكره أن أعود نفسي ما لم تعتده.»

۱۳. صحیح ابن حبان ۱۵ / ۳۸۳ ح ۶۹۳۶: «یا أیها الناس ... ما ترك بیضاء ولا صفراء إلا سبع مائة درهم فضلت من عطائه، أراد أن یشتری بها خادما»

ابوجعفر ابن طقطقی - رحمه الله - (م ۷۰۹هـ) در « الفخری فی الآداب السلطانیة » ، - که صاحب کتاب «تجارب السلف»<sup>۱۴</sup> ، کتابش را از روی کتاب مذکور نوشته است - می نویسد:

«دولت اولی ، آن دولت اربعه است که شروع آن از زمان وفات رسول الله - صلوات الله علیه و سلامه - و بیعت با ابوبکر بن قحافه - رضی الله عنه - در سال دوازده هجری بوده و پایانش هنگامی که امیر المؤمنان علی بن ابی طالب - علیه السلام - در سال چهل هجری کشته شد می باشد. بدان که این دولت ، به شکل دولت دنیایی نبوده است بلکه به امور نبوی و احوالات اخروی شبیه تر است ... طعامشان از طعام فقیران کمتر بود ... بدانکه آنها غذا و البسه شان از جهت فقر و ناتوانی از اینکه بهترین لباس و غذا داشته باشند نبوده بلکه این کار را می کردند تا با فقیرانی که رعیتشان بودند جانب مساوات را مراعات کرده و شکست نفسی از تمایلات ، و مهار کردن آن از عادات در بهترین حالات باشد ، و گرنه هر یک از آنها ثروت های بسیار زیاد، باغ و بوستان و ... داشتند لیکن بیشترین خروجیشان در اشکال نیکی و احسان بوده است. امیر المؤمنان علی دارای ثروت زیادی از املاک و اراضی بوده که همه ی آنرا در راه فقیران و ضعیفان خرج کرد ، و خود و خانواده اش به پیراهنی پشمینه و خشن ، و قرص نانی از جوین قناعت می کردند»<sup>۱۵</sup>

رابعا آنچه که معترض از کتاب «تجارب السلف» نقل کرده است ، حاکی از آن است که تدلیس نموده است چرا که اصل آن چیزی که در کتاب مذکور آمده ، ترجمه فارسی از کتاب عربی « الفخری فی الآداب السلطانیة » می باشد - که قبلا قسمتی از متن آنرا نقل کردیم - لیکن همراه با اضافات تعلیقات نویسنده ، که عینا آن قسمتی که معترض در آن تدلیس کرده و قطعه و بریده نقل کرده را اینجا نقل می کنیم ، تا حقیقت امر برای اهل تحقیق آشکار گردد. در نسخه ی خطی کتاب «تجارب السلف» ، آمده است:

«و گویند امیرالمؤمنین کرم الله وجهه بدست مبارک خود نخلستان غرس کرده بود که هر ساله از آنجا چهل هزار دینار حاصل آمدی و در شهری که آنرا ینبع گویند املاک نفیس داشت و چون حسن علی عسکری رضی الله عنه وفات یافت ششصد هزار دینار از او باقی ماند لکن اموال ایشان همه بصدقات و مبرات صرف شدی و ایشان بنان جو و جامه پنبه قناعت کردند»<sup>۱۶</sup>

همانطور که ملاحظه می کنید ، مؤلف کتاب «تجارب السلف» ، بعد از اینکه تصریح می کند که امام علی - رضی الله عنه - شخصا در نخلستان کار می کرده است - با وجود این که خلیفه و رئیس دولت اسلامی و سرزمین

۱۴ . مؤلف کتاب «تجارب السلف» ، هندوشاه بن سنجر صاحبی نخجوانی می باشد که معترض به کتاب او استناد کرده است.

۱۵ . الفخری فی الآداب السلطانیة - ابن الطقطقی ، ص ۷۹ : « أما الدولة الأولى، وهي دولة الأربعة فإن ابتداءها كان منذ قبض رسول الله - صلوات الله علیه وسلامه - وبويع أبو بكر بن قحافة - رضی الله عنه - وذلك في سنة اثني عشرة من الهجرة وانتهائها حين قتل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب - علیه السلام - وذلك في سنة أربعين من الهجرة واعلم أنها دولة لم تكن من طرز دول الدنيا، وهي بالأمر النبوية والأحوال الأخروية أشبه... وكان طعامهم من أدنى أطعمة فقرائهم ... واعلم أنهم لم يقللوا في أطعمتهم وملبوسهم فقرا ولا عجزا عن أفضل لباس وأشهى مطعم، ولكنهم كانوا يفعلون ذلك مواساة لفقرائهم، وكسرا للنفس عن شهواتها، ورياضة لها لاعتاد أفضل حالاتها. وإلا فكل واحد منهم كان صاحب ثروة ضخمة، ونخل وحدائق وغير ذلك من الأسباب ولكن أكثر خرجهم كان في وجوه البر والقرب كان لأمر المؤمنين علي ارتفاع طائل من أملاكه يخرجهم جميعه على الفقراء والضعفاء ويقنع هو وعياله بالنوب الغليظ من الكرباس ، وبالقرص من خبز الشعير.»

۱۶ . تجارب السلف ، هندوشاه نخجوانی ، صص ۱۳ - ۱۴ ، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی شماره ۷۸۰۵



های ایران و روم و مصر بوده است - لیکن همه را صدقه داده و به مستحقانش پرداخت نموده در حالی که خود به لباس پشمینه و نان جو قناعت می کرده است! بله خلفای راشدین از جمله امام علی- رضی الله عنه - در اوج اقتدار با تواضع و فروتنی و سادگی زیستند و این همان معنای زهد است.

### امام علی بن ابی طالب و دیدگاه ابن حزم در باره ی ثروتش

در ادامه معترض می نویسد: « ابن حزم در باره ثروت های حضرت علی(پارسا ترین شخصیت اسلامی) می نویسد: کسی که اندک اطلاعی از اخبار و احادیث داشته باشد انکار نمی کند که حضرت علی از ثروتمند ترین افراد طایفه و قوم خویش در صدر اسلام بود و اراضی و املاک بسیار داشت. ( الفصل فی الملل و الا هواء و النحل . جلد ۴ . صفحه ۱۴۱ ) »

پاسخ:

این سخن ابن حزم - رحمه الله - ( م ۴۵۶هـ ) ، در پاسخ به این ایراد که امام علی زاهد ترین صحابه است بوده است ، به نوعی ابن حزم - رحمه الله - در جهت مقایسه زهد علی بن ابی طالب با ابوبکر و عمر - رضی الله عنهم - پرداخته و تصریح کرده که این دو از امام علی زاهد تر بودند<sup>۱۷</sup> ، ایشان به نسبت شیخین مال و ثروت زیادی داشته است که البته این سخن صحیح است لیکن این مال و ثروت مقتضی زمان بوده است و نیز گسترش فتوحات لذا در اینکه امام علی - رضی الله عنه - ثروتمند بوده شکی نیست لیکن مسأله در عدم مال اندوزی و بلکه انفاق و صدقه دادن و بخشیدن به فقراء و ضعفاء است که امام علی - رضی الله عنه - در زمان خلافت خویش از زاهد ترین بوده است چرا که با وجود اینکه خلیفه و رئیس دولت اسلامی بوده ، هیچ تعلقی به این پست و مقام و ثروت دنیایی نداشته و در اوج سادگی زندگی میکرد بطوری که حسن بن صالح بن حی می گوید: نزد عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله - از زهاد گفته شد، برخی می گفتند: فلان کس زاهدترین است و برخی دیگر می گفتند: فلان کس زاهدترین است ، تا اینکه عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله - فرمود: «زاهد ترین مردمان در دنیا علی بن ابی طالب بوده است.»<sup>۱۸</sup>

### بررسی نقش تاریخی حضرت علی در کشتارهای دسته جمعی

#### ۱. کشتار بنی قریظه

معترض می گوید: « نقش تاریخی حضرت علی در کشتارهای دسته جمعی: ۱. حضرت علی در کشتار قبیله بنی قریظه : حضرت علی پس از پیروزی بر قبیله بنی قریظه تعداد ۹۰۰ نفر از مردان قبیله را در مقابل گودالهایی که

۱۷ . الفصل فی الملل والأهواء والنحل لابن حزم ۴ / ۱۱۱ : « ولقد تلا أبا بكر عمر رضي الله عنهما في هذا الزهد فكان فوق علي في ذلك يعني في إعراضه عن المال واللذات »

۱۸ . تاریخ دمشق لابن عساکر ۴۲ / ۴۸۹ ؛ تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام للذهبی ۳ / ۶۴۵ ؛ البدایة والنهاية لابن کثیر ۸ / ۶ : « تذاکروا الزهاد عند عمر بن عبد العزيز فقال قائلون فلان وقال قائلون فلان فقال عمر بن عبد العزيز أزهدهم الناس في الدنيا علي بن أبي طالب »

از پیش کنده بودند سر بریدند. ( تاریخ طبری. جلد ۳. صفحه ۱۰۸۸) پیامبر بگفت تا در زمین گودالها بکنند و حضرت علی و "زبیر" در حضور پیامبر گردن آنها را زدند تاریخ طبری. (جلد ۳. صفحه ۱۰۹۳) « پاسخ:

قبل از پاسخ به این شبهه ، لازم است که برای مخاطبان عزیز بیان گردد که علت کشته شدن مردان جنگجوی (!) قبیله ی بنی قریظه چه بوده است؟! آنگاه به اصل موضوع می پردازیم ، چرا که از دید اسلام ستیزان حکم مجازات و اجرای آن در اسلام برایشان محسوس است لیکن فعل جرم از دید ایشان قابل چشم پوشی است از این رو با این دید به تمام جنگ های صدر اسلام نگاه می شود که این نوع نگاه اشتباه و بلکه مغرضانه است.

### ۱.۱. بیان خیانت بنی قریظه و استحقاق مجازات

یهودیان بنی قریظه عهد شکنی و خیانت کردن و بنابه کتاب مقدس<sup>۱۹</sup> حکمشان قتل مردان و زنان و ویران کردن مساکن و هرآنچه در اختیارشان است می باشد لیکن اسلام به کشتن برخی از مردان جنگجوی اکتفا نمود.<sup>۲۰</sup>

در حدیث صحیح ، عبدالله بن عمر -رضی الله عنهما - (م ۷۳ هـ) می گوید:

«بنی نضیر و بنی قریظه علیه مسلمانان، جنگیدند. پیامبر - صلی الله علیه و سلم - بنی نضیر را از مدینه، بیرون کرد و بر بنی قریظه منت نهاد و اجازه سکونت داد تا اینکه بار دیگر، بنی قریظه با مسلمانان وارد جنگ شدند. آنگاه، آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - مردانشان را کشت و زنان و کودکان و اموالشان را بین مسلمانان، تقسیم کرد مگر کسانی را که به پیامبر - صلی الله علیه و سلم - ملحق شدند و به آنها امان داد و ایمان آوردند.»<sup>۲۱</sup>

سعد بن معاذ - رضی الله عنه - (م ۵ هـ) که رئیس قبیله اوس بود و در زمان جاهلیت با یهود بنی قریظه موالات و دوستی داشت به عنوان حکم و داور بین مسلمانان و بنی قریظه انتخاب شد و این داوری با موافقت خود بنی قریظه بود.

۱۹ . در ادامه مفاد آن ذکر می شود. ان شاء الله

۲۰ . در این میان برخی از این زنان و بچه ها آزاد شدند از جمله خانواده ی زبیر بن باطا و تمام اموالشان بازگردانده شد چون این شخص با یکی از صحابی عهدی در زمان جاهلیت داشت و لذا آن صحابی از پیامبر - صلوات الله علیه و سلم - درخواست کرد که آنها را آزاد و اموالشان را بازگرداند و آنحضرت موافقت نمود. و چند تن دیگر از مردان یهود بنی قریظه نیز عفو شدند. و عده ای نیز اعلام برائت کردند از خیانتی که توسط سران و عامه ی مردان بنی قریظه واقع شده بود و به اسلام گرویدند و آنان نیز مورد تکریم واقع شدند و اموال و داراییهایشان بازگردانده شد و مانند سایر مسلمانان در میان مسلمانان زندگی کردند. برای مشروح این اخبار بنگرید به : ( کتاب سیره ابن هاشم ج ۲ ص ۲۳۸ به بعد چاپ مکتبه ۱۳۷۵ هـ )  
۲۱ . صحیح البخاری ۵ / ۸۸ ح ۴۰۲۸ ؛ صحیح مسلم ۳ / ۱۳۸۷ ح ۱۷۶۶ : «حاربت النضیر، وقریظة، فأجلی بني النضیر، وأقر قریظة ومن علیهم، حتی حاربت قریظة، فقتل رجالهم، وقسم نساءهم وأولادهم وأموالهم بین المسلمین، إلا بعضهم لحقوا بالنبی صلی الله علیه وسلم فآمنهم وأسلموا ... »



«گفتند (بنی قریظه): ای محمد! بر داوری سعد بن معاذ راضی هستیم»<sup>۲۲</sup>

این داوری را وقتی خود بنی قریظه قبول کردند دیگر چه باید گفت؟! سعد بن معاذ -رضی الله عنه - حکم به قتل مردان جنگجو و اسیر کردن زنان و کودکان و تقسیم اموالشان داد.<sup>۲۳</sup>

ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» ، می نویسد:

«به سال پنجم هجری ( ۶۲۶ م)، قریش و ابوسفیان، با سپاهی که شمار آن به ده هزار می رسید و یهودیان بنی قریظه نیز کمک مؤثر ایشان بودند، حمله بر مسلمانان را از سر گرفتند. محمد [ص]، که در میدان جنگ قدرت مقابله با این نیروی بزرگ را نداشت ترجیح داد که برای دفاع از مدینه خندقی در اطراف آن حفر کند.»<sup>۲۴</sup>

شبهه همین سخن مذکور را نیز پروفیسور پطروشفسکی - روسی تبار - در کتاب «اسلام در ایران»<sup>۲۵</sup> بیان کرده است.

همانطور که ملاحظه می شود دوبار بنی قریظه - ظاهراً - عهدشکنی کردند ، بار اول که عهد شکنی کردند مورد عطوفت اسلام قرار گرفتند و به آنان امان داده شد و باردوم باز عهدشکنی کردند. با توجه به کتاب مقدس (تورات) - صرف نظر از تعدد خیانت بنی قریظه - جواب این عهدشکنی چیست؟!

«به این ترتیب خداوند خدای ما ، عوج پادشاه باشان را هم با تمام مردم او به دست ما تسلیم کرد و ما همه را کشتیم و حتی یک نفر را هم زنده نگذاشتیم . هر شصت شهر ، یعنی تمام نواحی ارجوب سرزمین باشان و تمام قلعه های نظامی آنها را تصرف کردیم . این شهر ها ی مستحکم با دیوارهای بلند و دروازه های پشت بنددار و همچنین چندین روستای بدون دیوار نیز به تصرف ما درآمدند. همه را مثل سرزمین باشان بکلی نابود ساختیم و تمام مردان و زنان و کودکان را هلاک کردیم. اما گله ها و غنایمی را که به دست آوردیم برای خود نگه داشتیم.»<sup>۲۶</sup>

«سامره باید سزای گناهان خود را ببیند، زیرا در مقابل من سرکشی کرده است. اهالی آن با دم شمشیر به قتل می رسند، اطفال آنها تکه تکه و شکم زنان حامله شان دریده می شود.»<sup>۲۷</sup>

۲۲ . السيرة النبوية لابن هشام ۲ / ۲۴۰ : «فقالوا: يا محمد، نزل على حكم سعد بن معاذ»

۲۳ . السيرة النبوية لابن كثير ۳ / ۲۳۳ ؛ عيون الأثر لابن سيد الناس ۲ / ۱۰۵ : «فإني أحكم فيهم أن يقتل الرجال وتسي الذرية وتقسم الأموال» ، یعنی: « من در موردشان حکم می کنم که مردان کشته شوند و زنان و کودکان اسیر و اموالشان تقسیم شوند.» ، همچنین بنگرید به : (صحيح ابن حبان ۱۱ / ۱۰۶ ح ۴۷۸۴ ؛ سنن الترمذی ۴ / ۱۴۴ ح ۱۵۸۲)

۲۴ . تاريخ تمدن ، ويل دورانت ، ۴ / ۲۱۷

۲۵ . اسلام در ایران ، ص ۳۳

۲۶ . کتاب مقدس / عهد عتیق - تثنيه ۶ - ۷ : ۳ ؛ کتاب مقدس ترجمه مؤده برای عصر جدید ۲۰۱۲م در مقدمه ترجمه آمده است: در این ترجمه ، از معتبرترین متون عبری، آرامی و یونانی استفاده شده است. ...

۲۷ . کتاب مقدس / عهد عتیق - هوشع ۱۳ : ۱۶

«پیران ، جوانان ، دختران ، کودکان و زنان را ، همه را بکشید ، اما به کسی که این نشان را دارد، دست نزنید و از معبد بزرگ من آغاز کنید. پس از رهبرانی که در جلوی معبد بزرگ بودند، شروع کردند.»<sup>۲۸</sup>

«خوشا به حال کسی که کودکان تو را بگیرد. و آنها را به صخره ها بکوبد.»<sup>۲۹</sup>

## ۱.۲. پاسخ به شبهه کشتار بنی قریظه

بعد از این توضیحات ، اکنون پاسخ به شبهه :

اولا هیچ روایت صحیح السندی مبنی بر اینکه مقتولین بنی قریظه ۹۰۰ نفر بودند وجود ندارد ، و روایات تاریخی در این باب مختلف هستند<sup>۳۰</sup> ، در برخی از کتابها ۴۰۰ نفر ذکر شده<sup>۳۱</sup> ، و برخی شمار جنگجویان اعدای بنی قریظه را ۶۰۰ یا ۷۰۰ نفر دانسته و گفته شده بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر بودند<sup>۳۲</sup> که قول صحیح در مورد مقتولین ، ۴۰۰ نفر می باشد چرا که فقط این طریق دارای اسناد صحیح می باشد زنان و بچه ها و برخی دیگر از مردان بنی قریظه که جنگجو نبودند ، هیچ کدام کشته نشدند.

ثانیا آنچه که در تاریخ طبری آمده ، این است که علی بن ابی طالب و زبیر بن عوام ، حکم را اجرا کردند<sup>۳۳</sup> لیکن سری بریده نشد.<sup>۳۴</sup>

## ۲. حضرت علی و کشتار خاندان ازد

معارض می گوید: « حضرت علی در کشتار خاندان " ازد " : حضرت علی و یارانش در یک روز تعداد ۲۵۰۰ نفر از خاندان " ازد " را سر بریدند. بنحوی که کسی زنده نماند تا دیگری را دلداری دهد.(مروج الذهب جلد اول صفحه ۷۲۹)»

۲۸. کتاب مقدس / عهد عتیق - حزقیال ۹ : ۶

۲۹. کتاب مقدس / عهد عتیق - مزامیر ۱۳۷ : ۹

۳۰. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی - المبارکفوری ۵ / ۱۷۱ - ۱۷۲

۳۱. صحیح ابن حبان ۱۱ / ۱۰۶ ح ۴۷۸۴ ؛ سنن الترمذی ۴ / ۱۴۴ ح ۱۵۸۲

۳۲. الکامل فی التاریخ لابن الاثیر ۲ / ۷۱ : « وکانوا ستمائة أو سبعمائة ، وقيل: ما بین سبعمائة وثمانمائة » ، همچنین بنگرید به : (عیون الاثر لابن سید الناس ۲ / ۱۰۶ ؛ السیرة النبویة لابن کثیر ۳ / ۲۳۹)

۳۳. تاریخ الطبری ۲ / ۵۹۳ : « وأما الواقدي فإنه قال: غزاهم رسول الله ص في ذي القعدة، لليال يقين منه، وزعم ان رسول الله ص أمر أن يشق لبني قريظة في الأرض أخاديد ثم جلس، فجعل علي والزبير يضريان أعناقهم بين يديه... » ، یعنی: «واقدي گفته است: رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در ذی القعدة چند شب از آن باقی مانده [غزوه بنی قریظه اتفاق افتاده است] و گمان کرده (!) که رسول - صلی الله علیه و سلم - فرمان داده که در بنی قریظه گودال هایی بکنند سپس خود نشست و علی و زبیر را گماشت تا در مقابلش گردن هایشان را بزنند. » ، همانطور که ملاحظه می شود ، ابن جریر طبری - رحمه الله - این مطلب را از واقدی نقل کرده که صرف نظر از اینکه واقدی نزد جمهور علماء فاقد اعتبار است ، معیذا با صیغه ی تمریض «زعم» نیز بیان کرده که مدلول ضعف در این اثر تاریخی است. کلمه «زعم» ، به معنی حکایت قولی است که در آن احتمال دروغ است. بنگرید به : (المفردات فی غریب القرآن ، ص ۳۸۰)

۳۴. در روایت تاریخی مذکور «یضریان أعناقهم» آمده ، که ضرب العنق به معنی سربردن نیست بلکه گردن زدن معنی می شود که تفاوت این دو در این است که ، سربردن با لفظ «ذبح» یا «یذبحان» می بایست ذکر شود در روایت مذکور ، در حالی که چنین نیامده است و در احادیث نیز در مورد حیواناتی که قربانی می شوند اشاره به ذبح شده یعنی بریدن از ناحیه حلقوم و تفاوت دارد با گردن زدن!!!

پاسخ:

اولا جنگی که منجر به کشته شدن مردان «ازد» شد ، همانا جنگ جمل بود که بنابه کتب تواریخ ، از هردو لشکر بطور تساوی عده ای کشته شدند که برخی شمار کشته شدگان را ۱۰,۰۰۰ (ده هزار) نفر ، که نیمی از آن از لشکر امام علی و نیمی دیگر از لشکر مقابل بوده است و از قبیله ی ازد ۲,۰۰۰ (دو هزار) نفر کشته شدند.<sup>۳۵</sup> و برخی نیز این شمار کشته شدگان را با اغراق زیاد ۱۳,۰۰۰ (سیزده هزار) نفر ذکر کردند آن هم از اصحاب جمل که از قبیله ی ازد فقط ۴,۰۰۰ (چهار هزار) کشته شدند. و شمار کشته شدگان اصحاب امام علی را ۱,۰۰۰ (هزار) نفر کمتر و یا بیشتر بیان کردند.<sup>۳۶</sup> علاوه بر این آماری که ذکر گردید ، آمارهای دیگری نیز در کتابهای تاریخی آمده است ، مثلاً ، برخی کشته شدگان را در جنگ جمل ، ۳۳,۰۰۰ (سی و سه هزار)<sup>۳۷</sup> ، ۲۰,۰۰۰ (بیست هزار)<sup>۳۸</sup> ، ۷,۰۰۰ (هفت هزار)<sup>۳۹</sup> و کشته شدگان قبیله ی ازد را ۲۵۰۰ (دو هزار و پانصد)<sup>۴۰</sup> و برخی نیز مقتولین ازد را ۱۳۵۰ (هزار و سیصد و پنجاه) نفر<sup>۴۱</sup> ذکر کردند که درخصوص این آمار فقط قول کسانی که آمار قبیله ی ازد را بیان کردند اسنادش صحیح بوده و راویان یا ازدی هستند و یا اینکه خود شاهد عینی در جنگ جمل بودند که معه‌ذا آمار آن نیز متغیر بین ۱۳۰۰ تا ۲۵۰۰ کشته بوده است و در هیچ یک از این روایات تاریخی نیامده است که آنها را سربریده باشند آنطور که معترض تصریح کرده است بلکه این کشته شدگان و سایر مقتولین طرفین جنگ ، در تصادم با یکدیگر و در میدان نبرد کشته شدند.

ثانیا جنگی که رخ داد صرفا یک فتنه ی سیاسی بود و بر سر عقیده و دین نبوده است<sup>۴۲</sup> و خود امام علی - رضی الله عنه - درباره ی اصحاب جمل فرموده بود که « آنان برادران ما هستند لیکن بر ما ستم کردند و ما نیز با آنها جنگیدیم و بازگشتند (توبه کردند) و ما نیز آنها را پذیرفتیم.»<sup>۴۳</sup> و در این جنگ «هیچ اسیری گرفته نشد ، مجروحی دستگیر نشد ، فراری ای کشته نشد و هرکس سلاحش را تحویل داد و یا در خانه اش را بست ، ایمن گشت. و از متاعشان چیزی گرفته نشد.»<sup>۴۴</sup> لذا جوسازی به این صورت که گویا امام علی - رضی الله عنه - بر سر عقیده با مخالفانش می جنگیده و یا به قول معترض ، آنها را سربریده است خیال باطل می باشد.

۳۵ . الفتنۃ ووقعة الجمل لسیف بن عمر ، ص ۱۷۹ : « کان قلی الجمل حول الجمل عشرة آلاف نصفهم من أصحاب علي ونصفهم من أصحاب عائشة من الازد ألفان ... » ، همچنین بنگرید به : (تاریخ الطبری ۴ / ۵۳۹؛ المنتظم لابن الجوزی ۵ / ۹۳ ؛ البداية والنهاية لابن کثیر ۷ / ۲۷۳)

۳۶ . التنبيه والإشراف للمسعودی ، صص ۲۵۵ - ۲۵۶ : « وقتل من أصحاب الجمل ثلاثة عشر ألفا من الازد أربعة آلاف وقيل دون ذلك، ومن ضبة ألف ومائة، وباقيهم من سائر الناس، وقتل من أصحاب علي رضي الله عنه نحو ألف، وقيل دون ذلك أو أكثر »

۳۷ . مرآة الجنان - اليافعی ۱ / ۸۱

۳۸ . تاریخ خلیفه بن خیاط ، ص ۱۸۶ ، با دو سند ، یکی منقطع و دیگری مجهول .

۳۹ . منبع قبل ، با سند مرسل و راوی ضعیف .

۴۰ . منبع قبل ؛ تاریخ الطبری ۴ / ۵۴۵ ، سند صحیح ، راوی آن از قبیله ی ازد است .

۴۱ . تاریخ الطبری ۴ / ۵۴۵ ، سند صحیح .

۴۲ . عصر الخلافة الراشدة - أكرم بن ضياء العمری ، ص ۴۵۶

۴۳ . السنن الكبرى للبيهقي ۸ / ۳۱۵ ح ۱۶۷۵۲ : « إخواننا بغوا علينا فقاتلناهم ، وقد فاؤوا وقد قبلنا منهم » بنگرید به : (مصنف ابن أبي شيبة ۷ / ۵۶۳ ح ۳۷۹۴۲)

۴۴ . مصنف عبد الرزاق ۱۰ / ۱۲۳ ح ۱۸۵۹۰؛ مصنف ابن أبي شيبة ۶ / ۴۹۸ ح ۳۳۲۷۷؛ السنن الكبرى للبيهقي ۸ / ۳۱۴ ح ۱۶۷۴۷ : « لا يتبع مدبر ، ولا يذف على جريح ، ولا يقتل أسير ، ومن أغلق بابة فهو آمن ، ومن ألقى سلاحه فهو آمن »

### ۳. حضرت علی و کشتار خوارج

معترض می گوید: « حضرت علی در کشتار خوارج: در نهم صفر سال ۳۸ هجری در محلی واقع در دشت نهروان جنگ خونینی بین لشگریان حضرت علی و خوارج روی داد که در این جنگ در حدود ۱۸۰۰ نفر از خوارج بدست حضرت علی و یارانش بقتل رسیدند.»

پاسخ:

اولا شروع کننده جنگ ، خود خوارج بودند ، زیرا امام علی - رضی الله عنه - بارها بر منبر خطاب به خوارج فرموده بود: «ما مانع شما نمی شویم که در مسجد نماز بخوانید ، و با شما نمی جنگیم تا زمانی که شما با ما جنگ نکنید»<sup>۴۵</sup> ، اما خوارج هرکس که مخالف آنها بود ، خون ، مال و زنش را حلال دانستند<sup>۴۶</sup> ، مشهور است که گروهی از خوارج ، یکی از صحابه به اسم «عبد الله بن خباب بن الارت» همراه با زنش - که حامله بود- ناجوانمردانه مانند گوسفند کنار رودخانه ای سربریدند و بچه را نیز از شکم مادر خارج کرده و کشتند.<sup>۴۷</sup> و همچنین به سایر مسلمانان تعرض کرده و عده ای را به ناحق کشتند<sup>۴۸</sup> و راه ها را مسدود کرده و نا امنی ایجاد کردند و خون ها ریختند<sup>۴۹</sup> و این سبب شد که امام علی - رضی الله عنه - برای مقابله با آنها اقدام عملی انجام دهد و لذا لشکری تجهیز کرد و به مقابله با خوارج که در منطقه ای در نهروان تجمع کرده بودند هجوم برد که البته قبلش سفیری را فرستاده بود تا از کارشان دست بکشند و توبه کنند که سفیر را نیز به قتل رساندند.<sup>۵۰</sup> به اتفاق اصحاب و علمای اسلامی ، امام علی - رضی الله عنه - در این جنگ و اقدامش محق بود.<sup>۵۱</sup>

ثانیا در جنگ حلوا پخش نمی کنند ، قطعاً عده ای کشته و یا زخمی می شوند ، این همه جنگ علیه مسلمین انجام شد از مشرکان صدر اسلام گرفته تا صلیبی ها<sup>۵۲</sup> ، مغول<sup>۵۳</sup> و این چند صد سال اخیر هجوم پرتغال ،

۴۵ . مصنف ابن ابی شیبۀ ۷ / ۷۶۲ ح ۳۷۹۳۰؛ السنن الکبری للبیہقی ۸ / ۳۱۹ ح ۱۶۷۶۳ ؛ تاریخ الطبری ۵ / ۷۴ : « لا نمنعکم صلاة في هذا المسجد، ... ولا نقاتلکم حتی تقتلونا»

۴۶ . فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر ۱۲ / ۲۸۴

۴۷ . مصنف عبد الرزاق ۱۰ / ۱۱۸ ح ۱۸۵۷۸ : « فأخذوه وأم ولده ، فذبحوهما في النار جميعا على شط النهر » و در لفظی دیگر : « فقبروه إلى النهره فضرخوا عنقه ... ثم دعوا بسرية له حلی فقبروا عما في بطنها » ، بنگرید به : (مصنف ابن ابی شیبۀ ۷ / ۵۵۵ ح ۳۷۸۹۶ ؛ مسند ابی یعلی الموصلی ۱۳ / ۱۷۶)

۴۸ . تاریخ الطبری ۵ / ۸۲

۴۹ . مصنف عبد الرزاق ۱۰ / ۱۱۷ ح ۱۸۵۷۴ ؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم ۲ / ۱۶۵ ح ۲۶۵۷ ؛ السنن الکبری للبیہقی ۸ / ۳۱۱ ح ۱۶۷۴۱ ؛ سیرة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - الصلابی ۲ / ۷۳۰

۵۰ . فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر ۱۲ / ۲۸۴

۵۱ . بنگرید به : مجموع الفتاوی لابن تیمیة ۲۸ / ۵۱۶ ، ۳۵ / ۵۵

۵۲ . دکتر جورج حنا (George Hanna)، فیلسوف مسیحی ، لبنانی الاصل در کتاب «قصۃ الانسان= تاریخ انسان» در مورد جنایات صلیبی ها می نویسد: «كان الصليبيون يذبحون في الشوارع كل مسلم اليه أيديهم . كانوا يمسكون الاطفال بارجلهم ويضربون رؤوسهم علي الجدران حتي تحطم. في الجامع العمري قتلوا عشرة آلاف مسلم دفعة واحدة . فلم يسبق للتاريخ أن عرف وحشية كوحشية الصليبيين . والجدير بالذكر انهم ما كانوا يخصصون بفظائعهم المسلمين فقط ، بل شملوا مع هؤلاء المسيحيين غير التابعين للكنيسة اللاتينية ، باعتبارهم خارجين عن الكنيسة المقدسة ، كنيسة روما اللاتينية . هذا ما جعل مسيحيي الكنيسة الشرقية ينضمون إلي المسلمين في محاربة الصليبيين . والغريب أن الغزاة الصليبيين كانوا يفعلون ذلك باسم المسيح . ومن جهة ثانية ، لم يرو المؤرخون الميسيون أنفسهم مثل هذه الوحشية عن المسلمين. هؤلاء كانوا قساة في حروبهم ، غير انهم لم يكونوا وحشيين في معاملة الاسري ولا الاهلين المسيحيين . فاذا انتصروا كانوا

انگلیس ، فرانسه و آمریکا به خاورمیانه و به خاک و خون کشیدن مسلمانان در سرزمینشان و به تاراج بردن اموال ، ذخایر و منابع زیرزمینی همچون نفت و گاز و معادن دیگر<sup>۵۴</sup> ، توسط این استعمارگران و زورگویان مدعی حقوق بشر را اسلام ستیزان نمی بینند اما جنگی که در بیش از چهارده قرن پیش باتوجه به علل و ظروفی هم که در آن زمان حاکم بوده است را از روی غرض و کینه بازگو می کنند و اسلام و رجال نیکو سیرت اسلامی را سرزنش کرده و بعضا بر آنان افترا و دروغ نیز می بندند را با آب و تاب بسیار در محافل مسموم خودشان شایع می کنند.

#### ۴. حضرت علی و کشتار ایرانیان

##### ۴,۱. سرکوب شورش شهر ری

معارض می گوید: « حضرت علی در کشتار ایرانیان : - شهر ری : در زمان حضرت علی مردم " ری " در ایران سر به طغیان بر علیه اعراب مسلمان گذاشته و از پرداخت خراج به والیان اعراب خودداری کردند بطوریکه در خراج آن دیار کسری پدید آمد. حضرت علی " ابو موسی " را با لشکری فراوان به سرکوب شورش مردم " ری " در ایران فرستاد. (فتوح البلدان. صفحه ۱۵۰)»

پاسخ:

شهر ری در زمان عمر بن خطاب - رضی الله عنه - فتح شد و بعد از رویارویی لشکر اسلام با جمع کثیری از لشکر ایران در دامنه ی کوه ری ، سرانجام لشکریان ایران پا به فرار گذاشتند و فرخان زینبی (زینبندی) اهل ری

یکفون بضرب الجزية علي أعدائهم ولا يفظعون بهم». یعنی : « صلیبی ها در راه ها هر مسلمانی را که دستشان به او می رسید ، سر می بریدند (!) ، کودکان را با پاهایشان آویزان می کردند و سرهایشان را به دیوار ها می کوبیدند تا متلاشی شود. در مسجد عمری ، ده هزار مسلمان را یکباره به قتل رساندند. در تاریخ وحشی گری ای بسان وحشی گری صلیبی ها که شناخته شده سابقه نداشته است. لازم به ذکر است که آنها فقط نسبت به مسلمانان این اعمال ناپسند را اختصاص نمی دادند بلکه به همراه مسلمانان ، مسیحیانی که از کلیسای لاتین تبعیت نمی کردند به اعتبار اینکه از کلیسای مقدس ، کلیسای رومی - لاتینی خارج شدند نیز مشمول می کردند. به همین دلیل است که مسیحیان کلیسای شرقی در جنگ با صلیبی ها به مسلمانان پیوستند. و عجیب اینکه مهاجمان صلیبی این اعمال را به اسم مسیح انجام می دادند. از جهت دیگر، خود تاریخ نویسان مسیحی هرگز شبیه این وحشی گری ها را از مسلمانان روایت نکردند. هرچند آنان در جنگهایشان سرسخت بودند لیکن در تعامل با اسیران و خانواده های مسیحیان خوی وحشی گری نداشتند. و هرگاه پیروز می شدند بر دشمنانشان به اخذ جزیه پسنده می کردند و به آنها سخت نمی گرفتند. (قصه الانسان ، ص ۹۲ ؛ جورج حنا ، الناشر: دار العلم للملايين ، بیروت ، الطبعة السادسة ، ايار (مايو) ، ۱۹۷۹م)

۵۳ . جنایاتی که تاتار مغول مرتکب شده بی سابقه بوده ، به زن و بچه ، بزرگ و کوچک ، مریض و سالم رحم نکردند و خون ها ریختند ، فاجعه یحیی دردناک است که قلم در نوشتن آن باز می ماند. - سبحان الله - ، در کتابهای تاریخ ، آمده است که : «به هیچ کس رحم نکردند ، زنان و مردان و کودکان را کشتند و شکم مادران حامله را پاره کرده و نوزادان را از شکمشان بیرون آورده و به قتل رساندند. (الكامل فی التاريخ لابن الأثیر ۱۰ / ۳۳۳ ؛ المغول بین الانتشار والانکسار - الصلابی ، ص ۱۵۶)

۵۴ . جان پیلجر محقق و مستندساز آمریکایی در کتاب «اربابان جدید دنیا» ، می نویسد: « پس از اکتشاف نفت در اواخر قرن نوزدهم ، دولتهای قدرتمند اروپایی ، برای چنگ انداختن بر این «بزرگ ترین موهبت» ، وقت تلف نکردند. تا سال ۱۹۱۸ ، ترک ها را بیرون رانده و امپراطوری عثمانی را بین خود تقسیم کرده بودند. عراق و سایر سرزمین های عربی ، به رغم وعده ی استقلال پس از جنگ ، به استعمار گرفتار آمدند. فرانسه سوریه ، لبنان و شمال عراق را نگه داشت. بریتانیا بغداد و بصره در جنوب عراق را گرفت . بریتانیا کردهای محنت کشیده را در منطقه جداگانه ای تحت نفوذ خود قرار داد و ، هنگامی که کردها به پا خواستند، وینستون چرچیل ، وزیر وقت امور مستعمرات ، چنین گفت: من ایرادهای نازک نازنجی ها درباره ی استفاده از گاز را نمی فهمم، و شدیداً طرفدار استفاده از گاز سمی بر ضد قبایل بی تمدن. (اربابان جدید دنیا ، صص ۹۳ - ۹۴ ، جان پیلجر ، ترجمه مهرناز شهابی و مهرداد شهابی ، نشر اختران چاپ اول ۱۳۸۸)

بود نیز طلب صلح کرد در مخالفت با سیاخوش بن مهران بن بهرام جوبین حاکم ری، لیکن سیاخوش از اهالی نهاوند، طبرستان، قومس و گرگان طلب کمک کرد و به آنها گفت می دانید که اگر این مسلمانان ری را بگیرند شما جایگاهی نخواهید داشت لذا با ارتش مسلمانان رویارو شدند که جنگی بینشان درگرفت، فرخان به فرمانده ارتش اسلام گفت: این قوم زیاد هستند و لشکر تو اندک، دسته ای را همراه با من بفرست تا از جایی وارد شهر بشوم که خودشان هم نفهمند. و فرمانده مسلمین شبانه گروهی را همراه با او فرستاد و مخفیانه وارد شهر شدند و خود نیز از بیرون شهر بر آنها شبیخون زد و جنگی درگرفت که بالاخره صدای الله اکبر از داخل شهر شنیده شد و معاندین فرار کردند و ری به دست مسلمین افتاد<sup>۵۵</sup> و فرخان زینبی صلح کرد و فرماندهی سپاه اسلام نیز به آنها امان نامه داد.<sup>۵۶</sup> اما چندی بعد هنگامی که کثیر بن شهاب الحارثی راهی ری شد اهالی آنجا را دید که صلح نامه را نقض کردند و در نتیجه با آنها درگیر شد تا اینکه به پرداخت جزیه و خراج فرمان بردند<sup>۵۷</sup> پیوسته اهالی ری نقض عهد کرده و خیانت می کردند و مجدداً فتح می شد<sup>۵۸</sup> در سال ۲۵ هـ، وقتی که خبر به سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - رسید که اهالی ری قصد نقض عهد و خیانت دارند، بلافاصله لشکری را به سوی آنها فرستاد و در نتیجه ی آن مصالحه کردند.<sup>۵۹</sup> و بار دیگر در عصر امام علی - رضی الله عنه - ابو موسی اشعری - رضی الله عنه - خودش شخصا با لشکری به سوی ری رهسپار شد و اهالی آنجا نقض عهد کردند و بر اساس امر اولی ( مفاد صلح نامه ی اول) آنجا را فتح کرد.<sup>۶۰</sup> نکته ی قابل توجه در خصوص فتح ری این است که با وجود اینکه در وهله ی اول به واسطه جنگ بدست مسلمین افتاد لیکن فرمانده اسلام در نهایت از مغلوبین صلح را پذیرفت و به آنها امان داد و به موجب معاهده ای که بین طرفین امضاء گردید کسی از اهالی آنجا کشته نشد، و کسی به بردگی برده نشد و معابد نیز تخریب نشدند.<sup>۶۱</sup> بنابراین این جوسازی ای که معترض کرده که ابو موسی اشعری - رضی الله عنه - با فرمان علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - به سرکوب مردم ری رفته است، عباراتی گنگ و در عین حال بیان چهره ی خشن از ارتش اسلام و امام علی - رضی الله عنه - است که قبلاً توضیحات در خصوص فتح ری و علل لشکرکشی های مجدد به آنجا و اینکه هربار که مسلمین وارد آنجا شدند با وجود اینکه می توانستند با بهانه ی نقض معاهده توسط اهالی ری بر هیچ یک از آنها ترحمی نکنند

۵۵. تجارب الأمم وتعاقب الهمم - مسکویه ۱ / ۳۹۷؛ تاریخ الطبری ۴ / ۱۵۰؛ الکامل فی التاریخ لابن الاثیر ۲ / ۴۰۷

۵۶. البدایة والنهاية لابن کثیر ۷ / ۱۳۷: « وصالح أبو الفرخان علی الری، وكتب له أماناً بذلك »، مفاد صلح نامه به قرار ذیل است: « صالحه ابن الزینبی بعد قتال علی أن یكونوا ذمة یؤدون الجزية والخراج وأعطاه عن أهل الری وقومس خمس مائة ألف علی أن لا یقتل منهم أحدا ولا یسییه ولا یهدم لهم بیت ناری، وأن یكونوا أسوة أهل نهاوند فی خراجهم »، یعنی: « ابن زینبی (زینبندی) بعد از جنگ، بر این اساس که اهل ذمه قرار گیرند و جزیه و خراج بپردازند و از اهالی ری و قومس به او پانصد هزار اعطاء کنند مبنی بر این که هیچ کس از آنها کشته نشود، به بردگی گرفته نشود، آتشکده ای خراب نگردد و اینکه در پرداخت خراجشان الگوی نهاوند باشند» (فتوح البلدان للبلاذری، ص ۳۱۰)

۵۷. فتوح البلدان للبلاذری، ص ۳۱۰: « فلما صاروا إلى الری وجد أهلها قد نقضوا فقاتلهم حتی رجعوا إلى الطاعة وأذعنوا بالخراج واجزیه»

۵۸. منبع قبل، ص ۳۱۱: « لم تزل الری بعد أن فتحت أيام حذیفه تنتقض وتفتتح»

۵۹. الکامل فی التاریخ لابن الاثیر ۲ / ۴۵۵: « بلغ سعد بن أبی وقاص عن أهل الری عزم علی نقض الهدنة والغدر، فأرسل إليهم وأصلحهم»

۶۰. فتوح البلدان للبلاذری، ص ۳۱۱: «وقد كان أبو موسى غزا الری بنفسه وقد نقض أهلها ففتحها علی أمرها الأول»

۶۱. منبع قبل، ص ۳۱۰

لیکن عطوفت و مروت اسلامی چنین اجازه ای به فرماندهان مسلمان نداده است و هربار با صلح با اهالی ری پسندیده کردند.

#### ۴,۲. سرکوب شورش فارس و کرمان

معترض می گوید: « فارس و کرمان: مردم فارس و کرمان نیز در ایران بر علیه اعراب مسلمان قیام کردند و عمال حضرت علی را از شهر بیرون کردند. حضرت علی برای خاموش کردن شورش مردم فارس و کرمان در ایران " زیاد بن ابیه" را به سوی فارس و کرمان فرستاد. ( جهت آشنایی با جنایات این سردار معروف " زیاد بن ابیه" به کتاب مروج الذهب، جلد ۲، صفحه ۲۹ مراجعه فرمایید)»

پاسخ:

با توجه به کتب تواریخ، اهالی فارس و کرمان، نقض عهد کرده بودند و چون شرایط بحرانی در اختلافات در حکومت مرکزی حاکم بود، آنها نیز از این فرصت سوء استفاده کرده و از پرداخت خراج امتناع کرده و عمال خلیفه را اخراج کردند.<sup>۶۲</sup> هنگامی که امام علی - رضی الله عنه - زیاد بن ابیه را استاندار نواحی فارس و کرمان قرار داد، با مردم آنجا مدارا و نرمش نشان داد و با آنها جنگی نکرد، به طوری که اهالی فارس می گفتند: هیچ کسی شبیه تر به سیره انوشیروان به نرمی و نرمشی، از این عرب (زیاد بن ابیه) ندیدیم. و با آنها جنگی نکرد و به فارس سروسامان داد و مردم را مطیع خویش قرار داد و همین سیاست را در کرمان بکار گرفت<sup>۶۳</sup>

#### ۴,۳. شهر استخر و سرکوب شورش آنجا

معترض می گوید: « شهر استخر: در زمان حضرت علی نیز مردم استخر در ایران باردیگر به علیه اعراب مسلمان سر به شورش گذاشتند و این بار " عبدالله ابن عباس" به فرمان حضرت علی شورش توده های مردم استخر در ایران را به خون فرو نشانند. (فارسنامه، صفحه ۱۳۶)»

پاسخ:

طبق منابع تاریخی قدیمی، استخر<sup>۶۴</sup> دو بار فتح شد، یکبار، در سال ۲۷هـ، توسط عثمان بن ابی عاص، در زمان خلافت امام عثمان بن عفان - رضی الله عنه - بوده است<sup>۶۵</sup> و بار دیگر<sup>۶۶</sup> در تاریخ ۲۹ هـ، باز در زمان

۶۲. تاریخ الطبری ۵ / ۱۳۷؛ تجارب الأمم وتعاقب الهمم - مسکویه ۱ / ۵۶۴؛ المنتظم لابن الجوزی ۵ / ۱۵۹؛ الکامل فی التاریخ لابن الأثیر ۲ / ۷۲۰

۶۳. منبع قبل. همچنین خلیفه بن خیاط - رحمه الله - می گوید: «وولی علی سهل بن حنیف فارس فأخرج أهل فارس فوجه علی زیادا فأرضوه وصالحوه وأدوا الخراج»، یعنی: «علی، سهل بن حنیف را فرماندار فارس قرار داد و اهالی فارس او را اخراج کردند سپس علی، زیاد را به سوی آنها فرستاد و از او راضی شدند و مصالحه کردند و خراج سالیانه را پرداختند.» (تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۹۲)

۶۴. در سال ۲۳هـ در اواخر خلافت امام عمر بن خطاب - رضی الله عنه - عثمان بن ابی عاص - رضی الله عنه - به قصد فتح استخر رهسپار شد لیکن موفق به فتح آنجا نشد. (تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۵۲)

۶۵. تاریخ الطبری ۴ / ۲۵۷



خلافت عثمان بن عفان - رضی الله عنه - ، بعد از نقض عهد توسط اهالی استخر ، و شکست اولی لشکر مسلمانان ، برای تسلط بر استخر عبدالله بن عامر عازم آنجا می شود که مقدم لشکر با عثمان بن ابی عاص بوده است. که با قهر و قوه بر استخر تسلط یافتند<sup>۶۷</sup> لیکن بعدا مصالحه کرده و به گرفتن جزیه از استخر پسندیده کردند<sup>۶۸</sup>. البته بلاذری - رحمه الله - فتح اولی استخر را با مصالحه دانسته است.<sup>۶۹</sup> بنابراین در زمان خلافت امام علی - رضی الله عنه - در استخر شورشی وجود نداشته - بلکه در زمان خلافت عثمان بن عفان بوده - لیکن بنابه قولی که بلاذری - رحمه الله - در کتاب «فتوح البلدان» ، بعد از ذکر اقوال مختلف در خصوص فتح استخر ، آورده است که اهل استخر در زمانی که عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - در عراق از جانب علی - رضی الله عنه - استاندار بود ، خیانت و عهد شکنی کردند و ابن عباس - رضی الله عنهما - آنجا را فتح کرد.<sup>۷۰</sup> البته این روایت در سایر کتابهای تاریخی قدیمی نیامده است و ظاهرا قولی شاذ می باشد چرا که تمام فتوحاتی که مربوط به استخر بوده و یا نقض عهد اهالی آنجا در دوره ی خلافت خلیفه ی سوم واقع شده است.

#### ۴.۴. امام علی و سکوت در مقابل مصادره ی زمین های مردم آذربایجان توسط اعراب

معارض می گوید: « اشعث ابن قیس آذربایجان را فتح کرد و درب آن شهر را به روی سپاه اسلام گشود . در زمان عثمان وی والی آذربایجان شد و در زمان امام علی هم در سمت خود ابقا شد . او شماری زیادی از خانواده های عرب را روانه آذربایجان کرد تا در آنجا سکنی گزینند . عشایر عرب از بصره و کوفه و شام راهی آذربایجان شدند . به گفته وی عده معدودی از عربان زمینهای عجمان را خریدند . لیکن اکثر عربان برای مصادره کردن زمینهای مجوسان با یکدیگر مسابقه نمودند - یعنی هر گروهی هرچه میتواندست مصادره

۶۶. الأخبار الطوال - أبو حنیفة الدینوری ، ص ۱۳۹: « الفتوحات فی عهد عثمان؛ ثم کانت غزوه سابور من ارض فارس، وافتتاحها. وأمیرها عثمان بن ابی العاص، ثم کان فتح إفريقية سنة تسع وعشرين، وأمیرها عبد الله بن ابی سرح، ثم کان فتح قبرس، وأمیرها معاویه بن ابی سفیان. ثم ان اهل اصطرخ نزعوا یداً من الطاعة، وقدمها یزجرد الملك فی جمع من الأعاجم، فسار الیهم عثمان بن ابی العاص وعبد الله بن عامر، فکان الظفر للمسلمین، وهرب یزجرد نحو خراسان» ، یعنی: «فتوحات در زمان عثمان؛ سپس جنگ شاپور و فتح آن شهر در منطقه فارس صورت گرفت و فرمانده آن عثمان بن ابی عاص بود و در سال ۲۹هـ، فتح آفریقا به فرماندهی عبدالله بن ابی سرح بود و سپس جزیره قبرس به فرماندهی معاویه بن ابی سفیان فتح شد. در این هنگام مردم استخر از اطاعت دست کشیدند [و نافرمانی کردند] و یزگرد شاه با گروهی از ایرانیان آنجا آمد. عثمان بن ابی عاص و عبدالله بن عاص به جنگ ایشان رفتند و پیروزی از آن مسلمانان بود»

۶۷. تاریخ الطبری ۴ / ۲۶۵؛ برای مشروح آن بنگرید به: (الکامل فی التاریخ لابن الأثیر ۲ / ۴۷۳؛ المنتظم لابن الجوزی ۵ / ۴ - ۵)

۶۸. منبع قبل ، ۴ / ۱۷۵: « ثم إن عثمان دعا الناس إلى الجزاء والذمة، فراسلوه وراسلهم، فأجابته الهريذ وكل من هرب أو تنحى، فتراجعوا وباحوا بالجزاء» ، یعنی: «سپس عثمان مردم را عهد و پرداخت جزیه فراخواند و با یکدیگر مکتابه کردند و هریذ جواب داد و هرکس که فرار کرده بود و یا دور شده بود بازگشتند و به پرداخت جزیه اقدام کردند.»

۶۹. فتوح البلدان - البلاذری ، ص ۳۷۷: «قالوا: ولما ولي عبد الله بن عامر بن كرز البصرة من قبل عثمان بن عفان بعد أبي موسى الأشعري سار إلى اصطرخ في سنة ثمان وعشرين فصالحه مالهك عن أهلها، ثم خرج يريد جور، فلما فارقتها نكثوا وقتلوا عاملة عليهم، ثم لما فتح جور كر عليهم ففتحها» ، یعنی: «گویند: هنگامی که عبدالله بن عامر بن کرز از جانب عثمان بن عفان بعد از ابو موسی اشعری استاندار بصره شد در سال ۲۸ هـ ، به سوی استخر رفت و با ماهلک از اهالی آنجا مصالحه کرد سپس به قصد فتح جور رفت و وقتی که از استخر جدا شد آنها نقض عهد کردند و عامل عبدالله بن عامر را که بر آنان گماشته بود به قتل رساندند بعد از اینکه جور را فتح کرد بر آنها هجوم برد و آنجا را فتح کرد.»

۷۰. منبع قبل ، ص ۳۷۸: «أن أهل اصطرخ غدروا في ولاية عبد الله بن عباس رضي الله عنهما العراق لعلی رضي الله عنه ففتحها.»

میکرد. بدین صورت اموال و زمینهای ایرانیان یکی پس از دیگری به تاراج گذاشته شد و امام علی خلیفه وقت با آن مخالفتی ننمود (فتوح البلدان - بلاذری):

پاسخ:

معلوم نیست این مطلبی که معترض نقل کرده عینا از فتوح البلدان، بلاذری - رحمه الله - است یا نقل به مضمون می باشد، چراکه در فتوح البلدان چیزی دیگری یافت شد که جا دارد در اینجا نقل کنیم. بلاذری رحمه الله می نویسد:

«ولید بن عقبه به اذربایجان آمد و اشعث بن قیس همراه وی بود. چون ولید بازگشت او را بر آذربایجان گمارد. اهل بلد از فرمان سر پیچیدند و اشعث به ولید نامه نوشت و از او یاری خواست. ولید سپاه عظیمی از کوفیان را گسیل داشت. پس اشعث بن قیس حان به حان سرکشی کرد. - حان در زبان مردم آذربایجان به معنی حائر است - و آن دیار را به صلحی همانند صلح حذیفه و عتبۀ بن فرقد بگشود و جماعتی از تازیان را که نامشان در دیوان ثبت و عطاء در حقشان مقرر بود در آنجا منزل داد و فرمان داد تا مردمان را به اسلام فرا خوانند. علی بن ابی طالب اشعث را بر آذربایجان ولایت داد و او چون بیامد بدید که اکثر اهل این بلد اسلام آورده قرآن همی خوانند. پس جماعتی از تازیان را که نامشان به ثبت رسیده و عطاء می گرفتند در اردبیل مقیم کرد و آن شهر را تمصیر کرد. مسجد اردبیل را نیز هم او بساخت، لکن سپس بر وسعت آن افزوده شد.»<sup>۷۱</sup>

باتوجه به این اثر تاریخی، چند نکته قابل توجه می باشد:

اولا در این نقل تاریخی آمده است که آذربایجان با صلح بدست آمده است.

ثانیا اشعث بن قیس دو بار والی و استاندار آذربایجان شده، یکبار در عصر خلیفه ی سوم امام عثمان - رضی الله عنه - و بار دوم در زمان خلیفه ی چهارم امام علی - رضی الله عنه -، در بار اول که استاندار آذربایجان شده عده ای از دعوتگران اسلامی را در آذربایجان سکنه داده تا به نشر و تبلیغ اسلام بپردازند. پس آنطور که معترض گفته که «عربها (مسلمانان) زمینهای عجمیان را خریدند و یا در خریدن این زمینها از یکدیگر سبقت می گرفتند»، سخنی خلاف واقعیت است.

۷۱. فتوح البلدان - البلاذری، ص ۳۲۰: «قدم الولید بن عقبه أذربيجان ومعه الأشعث بن قیس، فلما انصرف الولید ولاء أذربيجان فانتقضت فكتب إليه يستمده، فأمدّه بجيش عظیم من أهل الكوفة، فتبع الأشعث بن قیس حانا حانا - والحن الحائر في كلام أهل أذربيجان، ففتحها علی مثل صلح حذيفة وعتبة بن فرقد واسكنها ناسا من العرب من أهل العطاء والديوان وأمرهم بدعاء الناس إلى الإسلام ... ولی علي بن أبي طالب الأشعث أذربيجان، فلما قدما وجد أكثرها قد أسلموا وقرأوا القرآن، فأنزل أردبیل جماعة من أهل العطاء والديوان من العرب ومصرها وبني مسجدها إلا أنه وسع بعد ذلك.»

ثالثاً اشعث بن قیس مدتی کوتاه در زمان عثمان - رضی الله عنه - استاندار آذربایجان بوده ، ولذا در فاصله خلافت عثمان تا خلافت علی ، اشعث استاندار نبوده چرا که بار دوم در زمان امام علی که به استانداری آذربایجان گمارده می شود ، اشعث بن قیس وقتی به آذربایجان می رود می بیند که اکثر مردم باتوجه به دعوت و تبلیغ داعیان اسلامی مسلمان شدند (!) و قاری قرآن شدند. بر همین اساس است که گروهی دیگر از عربها (مسلمانان غیر عجم) را در اردبیل ساکن می کند و شهر را گسترش داده و مسجد در آن می سازد و بر وسعت شهر می افزاید.

اما آنچه که بر خرید زمین از عجمیان دلالت می کند ، در فتوح البلدان از قول واقدی و به صورت مرسل و بلکه می توان گفت بدون سند ذکر شده است ؛

«حسین بن عمرو به نقل از واقد گوید که چون تازیان در آذربایجان منزل گزیدند عشایر عرب از شهرهای کوفه و بصره و شام به آنجا کوچ کردند و هر طایفه ای بر آنچه توانست چیره شد. برخی از ایشان نیز زمینهای عجمان را خریدند و قریه هائی به تازیان واگذار شد تا تحت حمایت ایشان باشد و اهل آن قری خود مزارع آنان گشتند.»<sup>۷۲</sup>

اولا بر فرض اینکه این اثر مقبول باشد ، باز حجت قرار نمی گیرد چرا که همانطور که در اثری دیگر آمده و پیشتر نقل کردیم ، اکثر مردم آذربایجان مسلمان شده بودند پس ساکن شدن سایر مسلمانان عرب و غیر عرب در آذربایجان چیزی بدیهی است ، و همانطور که در این روایت اخیر نیز آمده ، عربها این زمینها را به زور و ظلم تصاحب نکردند بلکه آن را خریداری کرده بودند.

ثانیا همانطور که قبلا بیان شد آذربایجان با مصالحه فتح شده بود ، مؤرخان در بیان مفاد این صلح نامه نوشتند:

«بنام خدای رحمان رحیم این امانیست که عتبۀ بن فرقد عامل عمر بن خطاب، امیر مؤمنان به مردم آذربایجان می دهد، از دشت و کوه و اطراف و دره ها و اهل دینها، که جانها و مالها و دینها و ترتیبات دین همگی شان در امان است، بشرط آنکه جزیه بدهند بقدر توانشان. بر کودک و زن بیماری که چیزی از دنیا به کف ندارد، و عابد خلوت نشین که چیزی از دنیا به کف ندارد، جزیه نیست. امان برای خودشان است و هر که با آنها مقیم باشد. و باید مسلمان سپاهی مسلمانان را یک روز و شب مهمان کنند و راهنمایی کنند. هر

<sup>۷۲</sup> . فتوح البلدان - البلاذری، صص ۳۲۰ - ۳۲۱ : «قال الحسين بن عمرو: وأخبرني واقد أن العرب لما نزلت أذربيجان نزلت إليها عشائرها من المصريين والشام وغلب كل قوم على ما أمكنهم وابتاع بعضهم من العجم الأرضين وألجئت إليهم القرى للخفارة فصار أهلها مزارعين لهم» ؛ این اثر سندا «ضعیف» است ، محمد بن عمر واقدی را جمهور ائمه اهل فن تضعیف کردند.

کس از آنها که به سالی سپاهی شود جزیه آن سال از او برخیزد و هر که نباشد مانند ماندگان باشد و هر که برود در امان باشد تا به پناه خود برسد.»<sup>۷۳</sup>

## ۵. نبرد لیلة الهیر

معارض می گوید: «حضرت علی در نبرد "لیلة الحریر": حضرت علی در نبردی بنام "لیلة الحریر" در حدود ۵۰۰ تا ۹۰۰ نفر را از دم تیغ گذراند. (منتهی الا مال جلد ۱ صفحه ۱۵۳) تعداد کسانی که در آن شب و روز حضرت علی به دست خود کشته بود ۵۲۳ کس بود. (مروج الذهب . جلد ۱ . صفحه ۷۴۶)» پاسخ:

اولا حادثه ی لیلة الهیر مربوط به جنگ صفین بین لشکریان امام علی - رضی الله عنه - با اهل شام است و از طرفین تلفات بسیار بود هرچند در کتب تواریخ در بیان آمار کشته شدگان مبالغه شده است لیکن در خصوص آمار سپاه امام علی - رضی الله عنه - و سپاه طرف مقابل و نیز کشته شدگان طرفین اختلاف است ، برخی کشته شدگان را ۷۰،۰۰۰ (هفتاد هزار) نفر<sup>۷۴</sup> بیان کردند که ۵۰،۰۰۰ (پنجاه هزار) از اهل شام و ۲۰،۰۰۰ (بیست هزار) نفر از سپاه امام علی - رضی الله عنه - ، ۷۵، که شمار کلی سپاه اهل شام حدود ۸۰،۰۰۰ (هشتاد هزار) و در مقابل سپاه امام علی حدود ۹۵،۰۰۰ (نود پنج هزار) بودند<sup>۷۵</sup> و برخی نیز گفتند: سپاه شام ، ۶۰،۰۰۰ (شصت هزار) بوده که ۲۰،۰۰۰ (بیست هزار) از آنها کشته شدند و سپاه امام علی - رضی الله عنه - ، ۱۲۰،۰۰۰ (یکصد و بیست هزار) بوده که ۴۰،۰۰۰ (چهل هزار) نفر از آنها نیز کشته شدند.<sup>۷۶</sup> و برخی نیز این شمارش را عکس دانستند.<sup>۷۸</sup>

ثانیا آماری که دلالت بر آن کند که امام علی - رضی الله عنه - شخصا در معرکه جنگ شرکت کرده باشد و شمشیر زده باشد ، صحت ندارد و ممکن است برخی از لحاظ فرماندهی سپاه ، آمار کشته شدگان را به امام علی - رضی الله عنه - نسبت داده باشند ، و مفروضا که چنین چیزی صحت باشد ، ایرادی ندارد چرا که در میدان جنگ بوده نه خارج از جنگ و در جنگ هم حلوا پخش نمی کنند ، و جنبه ی دفاع از خود بوده است ، هرچند شواهد و قراین حاکی از آن است که در جنگ صفین و یا جمل و حتی نهروان ، امام علی - رضی الله عنه -

<sup>۷۳</sup> . تاریخ الطبری ۴ / ۱۵۵ : «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أعطى عبته بن فرقد عامل عمر بن الخطاب أمير المؤمنين أهل آذربيجان سهلها وجبلها وحواسيها وشفاها وأهل مللها كلهم الامان على أنفسهم وأموالهم ومللهم وشرائعهم على أن يؤدوا الجزية على قدر طاقتهم ليس على صبي ولا امرأة ولا زمن ليس في يديه شيء من الدنيا ولا متعب متخل ليس في يديه من الدنيا شيء لهم ذلك ولمن سكن معهم وعليهم قرى المسلم من جنود المسلمين يوما وليلة ودلالته ومن حشر منهم في سنة وضع عنه جزاء تلك السنة ومن أقام فله مثل ما لمن أقام من ذلك ومن خرج فله الامان حتى يلجأ إلى حرزه.»

<sup>۷۴</sup> . تاریخ خلیفه بن خیاط ، ص ۱۹۶ ؛ مصنف ابن ابی شیبہ ۷ / ۴۵۹

<sup>۷۵</sup> . العقد الفرید - ابن عبد ربه الأندلسی ۵ / ۹۱

<sup>۷۶</sup> . منبع قبل ، ۵ / ۸۵

<sup>۷۷</sup> . تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام للذهبی ۱ / ۳۹۰

<sup>۷۸</sup> . التنبيه والإشراف - المسعودی ، ص ۲۵۶ : «من كان مع علي عليه السلام فمكث ومقلل والمتفق عليه من تنازعهم أنه كان في تسعين ألفا وكان معاوية في مائة ألف وعشرين ألفا، وقيل دون ذلك وأكثر منه، وقتل بصفين سبعون ألفا من أصحاب علي رضي الله عنه منهم خمسة وعشرون ألفا، منهم خمسة وعشرون بدرية من الصحابة. وقتل من أصحاب معاوية خمسة وأربعون ألفا وقيل في عدة من قتل بينهما دون ذلك وأكثر.»

شخصا هدايتگر جنگ بوده نه در نقش جنگجو تا اينکه در ميدان جنگ شمشير زده باشد و عده ای را کشته باشد. و آنچه را که در «منتهی الامال» و «مروج الذهب» آمده فاقد اسناد بوده و لذا اعتباری ندارند.

ثالثا تعامل امام علی - رضی الله عنه - با اسیران و مجروحان جنگی و حتی عدم تکفیرشان دلالت بر این می کند که ، ایشان قصد جنگ نداشته و به قصد کشتن لشکر کشی نکرده بلکه جنگ بر ایشان تحمیل شده است.

۱. روز صفین هرگاه اسیری را به نزد علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - می آوردند ، ایشان خطاب به آن اسیر می فرمود: «هرگز تو را نمی کشم ، زیرا از پروردگار جهانیان می ترسم. و سلاح اسیر را می گرفت و او را سوگند می داد که دیگر جنگ نکند و چهار درهم (در مقابل سلاحش) به او می بخشید»<sup>۷۹</sup>

۲. عبدالله بن عروه می گوید: مردی که در صفین شرکت داشت برایم گفت: بعضی از شب ها علی - رضی الله عنه - را می دیدم که بیرون می رفت و به سوی اهل شام نگاه می کرد و می فرمود: «بارخدايا من و آنان را بيامرز»<sup>۸۰</sup>

۳. زیاد بن حارث می گوید: در صفین کنار عمار بن یاسر - از لشکر امام علی - بودم و زانویم ، زانویش را لمس کرد ، مردی گفت: سپاه شام کافر شدند. عمار بن یاسر در پاسخ فرمود: «این را نگوئید ، زیرا پیامبر ما و آنها یکیست و قبله آنها و قبله ی ما یکیست لیکن آنان گروهی هستند که دچار فتنه شدند و از حق عدول کردند و حق با ماست که با آنها بجنگیم تا اینکه به راه حق برگردند.»<sup>۸۱</sup> و در روایتی دیگر آمده است که : «نگوئید اهل شام کافر شدند ، بلکه بگوئید: ستم کردند»<sup>۸۲</sup>

۴. یزید بن اصم می گوید: از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - در باره ی کشته شدگان جنگ صفین از او پرسیده شد ، و فرمود: «کشته شدگان ما و آنها در بهشت هستند و امر به من و معاویه مربوط می شود.»<sup>۸۳</sup>

۵. از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که در روز صفین در حالی لبهائش را می فشرد و می فرمود: «اگر می دانستم که کار به اینجا می رسد هرگز بیرون نمی آمدم.»<sup>۸۴</sup>

۷۹. مصنف ابن أبي شيبة ۵/ ۵۴۹ ح ۳۷۸۶۱: «كان إذا أتى بالأسير قال: لن أقتلك صبرا ، إني أخاف الله رب العالمين ، وكان يأخذ سلاحه ويحلفه: لا يقتله ، ويعطيه أربعة دراهم»، همچنین بنگرید به : (سنن سعید بن منصور ۲ / ۳۹۱ ح ۲۹۵۱؛ السنن الكبرى للبيهقي ۸ / ۳۱۵ ح ۱۶۷۵۴)

۸۰. منبع قبل ، ۷ / ۵۴۹ ح ۳۷۸۶۵: «عبد الله بن عروة، قال: أخبرني رجل، شهد صفين قال: رأيت عليا خرج في بعض تلك الليالي ، فنظر إلى أهل الشام فقال: اللهم اغفر لي ولهم ...»

۸۱. منبع قبل ، ۷ / ۵۴۷ ح ۳۷۸۴۱: «... فقال رجل: كفر أهل الشام ، فقال عمار: لا تقولوا ذلك نبينا ونبيهم واحد ، وقبلنا وقبلتهم واحدة ؛ ولكنهم قوم مفتونون جاروا عن الحق ، فحق علينا أن نقاتلهم حتى يرجعوا إليه»

۸۲. السنن الكبرى للبيهقي ۸ / ۳۰۲ ح ۱۶۷۲۱: «قال عمار: لا تقولوا: كفر أهل الشام ، ولكن قولوا: فسقوا ظلموا»

۸۳. مصنف ابن أبي شيبة ۷ / ۵۵۲ ح ۳۷۸۸۰؛ المعجم الكبير للطبرانی ۱۹ / ۳۰۷ ح ۶۸۸: «عن يزيد بن الأصم، قال: سأل علي عن قتلى، يوم صفين ، فقال: قتلانا وقتلهم في الجنة ، ويصير الأمر إلي وإلى معاوية»

۸۴. مصنف ابن أبي شيبة ۷ / ۵۴۸ ح ۳۷۸۵۲: «لو علمت أن الأمر يكون هكذا ما خرجت»

۶. ابو امامه - رضی الله عنه - می گوید: در صفین مشارکت داشتم ، « زخمی ها را نمی کشتند ، فراری ها را دنبال نمی کردند ، و سلاح های کشته شدگان را مصادره نمی کردند. »<sup>۸۵</sup>

### ۶. سوزاندن عبدالله خرمی و یارانش

معترض می گوید: « حضرت علی در کشتار "عبدالله خرمی و یارانش" : زندگی تاریخی حضرت علی عبدالله خرمی و ۷۰ تن از یارانش از بیم جان به قلعه ای پناه برد. به دستور حضرت علی قلعه به آتش کشیده شد که در جریان آن تمامی این افراد در آتش سوختند بطوری که بوی گوشت بریان شده آنها آنچنان در هوا پخش شده بود که مردم را آزار می داد. (علی مرز نامتناهی . صفحه ۱۹۹) »

پاسخ:

اولا کتابی به اسم «علی مرز نامتناهی» باوجود تلاشی که برای پیدا کردن این کتاب انجام شد لیکن چنین کتابی یافت نشد و به احتمال زیاد اسم صحیح کتاب «علی مرد نامتناهی» باشد که نویسنده ی آن معاصر است و نقل چنین روایت تاریخی ای مستلزم وجود سند است در حالی که اسنادی برای این اثر تاریخی وارد نشده است.

ثانیا در کتب تاریخی شخصی به اسم عبدالله خرمی که معاصر امام علی - رضی الله عنه - بوده باشد وجود خارجی ندارد - علی الاطلاق - لیکن ممکن است منظور عبدالله بن سبأ یهودی باشد که این شخص قائل به الوهیت (خدایی بودن) علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - بوده است.<sup>۸۶</sup> در اثری روایت است که به امام علی - رضی الله عنه - خبر رسید گروهی از دین اسلام مرتد شدند ، آنها را به اسلام دعوت نمود لیکن نپذیرفتند در نتیجه چاله ای را برایشان حفر کرد و گردنشان را زد و سپس آنان را به درون چاله انداخت و بر روی آنها چوپ ریخت و آتش شان زد.<sup>۸۷</sup> و در اثری دیگر روایت است که علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - گروهی را که از دین اسلام مرتد شده بودند را آتش زد ، خبر آن به عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - رسید ، و فرمود: اگر من می بودم آنها را می کشتم به سبب این فرموده ی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - : «هرکس دینش را تغییر دهد پس او را بکشید.» و آنها را آتش نمی دادم ، به سبب این فرموده حضرت الرسول - صلی الله علیه و سلم - : «با عذاب خداوند ، عذاب ندهید.» ، این سخن ابن عباس به علی رسید ، و ایشان فرمود: «ابن عباس

۸۵ . مصنف ابن ابی شیبۀ ۶ / ۴۹۸ ح ۳۳۲۷۸ ؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم ۲ / ۱۶۷ ح ۲۶۶۰ ؛ السنن الکبری للبیهقی ۸ / ۳۱۵ ح ۱۶۷۵۳ :

«عن أبی أمامة قال: شهدت صفین فکانوا لا یجهزون علی جریح، ولا یطلبون مولیا ولا یسلبون قتیلًا»

۸۶ . روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه ۲ / ۳۷۰ و ۳۸۷ ؛ لوامع صاحبقرانی ۴ / ۱۵۰ - ۱۵۱ ؛ وسائل الشیعة للحر ۲۸ / ۳۳۶ ح ۳۴۸۹۴ و ۳۴۸۹۵ و ۳۴۸۹۶ ؛ رجال الکشی ، صص ۱۰۷ - ۱۰۸ ، همچنین بنگرید به : (الکافی للکلینی ۷ / ۲۵۹ ح ۱۸ ؛ تهذیب الاحکام للطوسی ۱۰ / ۱۳۸ ح ۸)

۸۷ . المعجم الأوسط للطبرانی ۷ / ۱۴۰ ح ۷۱۰۱

درست گفته است.<sup>۸۸</sup> این گروه مرتد - علی الظاهر - همان گروه سبائیه بودند.<sup>۸۹</sup> و ظاهراً تعدادشان اندک بوده است که بنابه آنچه نقل شده ۱۱ نفر بودند.<sup>۹۰</sup>

## ۷. حضرت علی و کشتار مرتدین بعد از وفات پیامبر اسلام

معترض می گوید: « حضرت علی در کشتار کسانی که بعد از فوت حضرت محمد از دین اسلام برگشتند: آنانکه دست رنگ کرده بودند و شادی و شمع در اثر در گذشت حضرت محمد نشان داده بودند حضرت علی و خالد بن ولید همه را بکشتند و اجسادشان را در آتش سوزاندند. (تاریخ طبری . جلد ۴ . صفحات ۱۴۶۴، ۱۳۸۰، تاریخ طبری . جلد ۶، صفحات ۲۲۶۵، ۲۴۲۰)

پاسخ :

اولاً آن عده که بعد از وفات پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - مرتد شدند ، دو صنف بودند ؛ گروهی که از دین برگشتند و از شریعت دور شدند و به کفر بازگشتند. و این فرقه بر دو قسم تقسیم می شوند: قسم نخست : اصحاب مسیله کذاب از بنی حنیفه و غیر او که مدعی نبوت بودند و همچنین اصحاب اسود عنسی که بعضی از اهل یمن و نقاط دیگر طرفدارش بودند. این گروه منکر نبوت سیدنا محمد - صلی الله علیه و سلم - بودند و مدعی نبوت برای دیگران بودند. قسم دوم: کسانی که از دین بازگشتند و منکر قوانین اسلام بودند و نماز ، زکات ، و سایر امور دین را ترک کردند و به چیزی که در جاهلیت بر آن بودند بازگشتند. صنف دیگر کسانی بودند که بین نماز و زکات فرق گذاشتند ، به نماز اقرار کردند لیکن فرض زکات و وجوب پرداخت آنرا به حاکم منکر شدند. آنان در حقیقت باغی هستند و به این اسم در آن زمان خوانده نمی شدند بخصوص اینکه وارد دسته ی مرتدین شدند و اسم در کل به مرتدین مضاف گردید وقتی که این ارتداد بزرگتر و مهمتر بودند.<sup>۹۱</sup> در بین این دو صنف ، گروه اول چون از شریعت دور شدند و به نبوت مسیلمه و دیگران فرا می خواندند و برخی از آنها نیز نماز و روزه را ترک کردند و تما شریعت را منکر شدند ، اصحاب - رضی الله عنهم - این گروه را کفار نام نهادند. اما مانعین زکات که بر اصل دین استوار بودند ، اهل بغی (باغی) بودند و منفردا کسی از آنها را کافر اسم نبردند

۸۸ . سنن الترمذی ۴ / ۵۹ ح ۱۴۵۸ : « أن علیاً حرق قوما ارتدوا عن الإسلام، فبلغ ذلك ابن عباس، فقال: لو كنت أنا لقتلتهم بقول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من بدل دينه فاقتلوه». ولم أكن لأحرقهم لقول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تعذبوا بعذاب الله»، فبلغ ذلك علياً، فقال: صدق ابن عباس»  
 ۸۹ . فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر ۱۲ / ۲۷۰ ؛ العرف الشذی شرح سنن الترمذی للکشمیری ۳ / ۱۴۴ ؛ تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی - المبارکفوری ۵ / ۲۰

۹۰ . تاریخ دمشق لابن عساکر ۲۹ / ۱۰

۹۱ . المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج للنووی ۱ / ۲۰۲ : «أن أهل الردة كانوا صنفين صنف ارتدوا عن الدين ونابذوا الملة وعادوا إلى الكفر ... وهذه الفرقة طائفتان إحداهما أصحاب مسيلمة من بني حنيفة وغيرهم الذين صدقوه على دعواه في النبوة وأصحاب الأسود العنسي ومن كان من مستجبيه من أهل اليمن وغيرهم وهذه الفرقة بأسرها منكرة لنبوة نبينا محمد صلى الله عليه وسلم مدعية النبوة لغيره فقاتلهم أبو بكر رضي الله عنه حتى قتل الله مسيلمة بالإمامة والعنسي بضعاء وانفضت جموعهم وهلك أكثرهم والطائفة الأخرى ارتدوا عن الدين وأنكروا الشرائع وتركوا الصلاة والزكاة وغيرها من أمور الدين وعادوا إلى ما كانوا عليه في الجاهلية ... والصنف الآخر هم الذين فرقوا بين الصلاة والزكاة فأقروا بالصلاة وأنكروا فرض الزكاة ووجب أدائها إلى الإمام وهؤلاء على الحقيقة أهل بغی وإنما لم يدعوا بهذا الاسم في ذلك الزمان خصوصاً لدخولهم في غمار أهل الردة فأضيف الاسم في الجملة إلى الردة إذ كانت أعظم الأمرين وأهمهما»



اگر چه کلمه ارتداد به آنها اضاف می شود این به سبب مشارکتشان با مرتدین در خصوص منع برخی از ممنوعات حقوق دین است بنابراین اینجا کلمه «ارتداد» ، اسم لغوی است و هرکس که از امری منصرف شود و به آن روی آورد در واقع از آن بازگشته است.<sup>۹۲</sup> برخی نیز علاوه بر دو صنف قبلی ، تصریح کردند که کسانی که از دین اسلام برگشته و به بت پرستی روی آورند نیز جزو مرتدین هستند.<sup>۹۳</sup>

ثانیا میسلمه کذاب و اسود عنسی که گروهی از مرتدین تابعشان بودند ، هردو قبل از وفات سیدنا محمد - صلی الله علیه و سلم - مدعی پیامبری بودند، که اهل یمامه و جماعتی دیگر او را تصدیق کردند و اسود عنسی را نیز بعضی از اهالی یمن و غیره او را تصدیق نمودند که البته اسود اندکی قبل از وفات پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - کشته شد<sup>۹۴</sup> و برخی از پیروانش باقی مانده بودند که کارگزاران پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در خلافت ابوبکر الصدیق - رضی الله عنه - با آنها جنگیدند.<sup>۹۵</sup>

ثالثا بسیاری از این مرتدین ، یک سال نشد ، توبه کردند و مورد بخشودگی قرار گرفتند ، حتی برخی از کسانی که مدعی پیامبری بودند نیز توبه کردند و اسلامشان نیکو بود.<sup>۹۶</sup>

رابعا در جنگ با مرتدین ، مسلمانان نیز تلفات زیادی دادند طوری که گروهی از بهترین اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به شهادت رسیدند.<sup>۹۷</sup> و شهر مدینه که مرکز خلافت بود حالت آماده باش و تدافعی پیدا کرد به گونه ای که اهل مدینه ملزم شدند که در مسجد بخوابند تا آمادگی کامل دفاعی داشته باشند و همچنین نگهبانان اطراف مدینه را سازماندهی شدند تا از هر شورش مقدمی دفاع کنند.<sup>۹۸</sup> به هر حال کار بالا گرفت و مرتدان نیرومند شدند به قسمی که بعضی از آنها به مدینه پایتخت اسلام هجوم آوردند و اگر ابوبکر از مدینه دفاع نمی کرد ، مدینه به دست آنان می افتاد.<sup>۹۹</sup>

۹۲ . منبع قبل ، ۱ / ۲۰۴ : «أن أهل الردة كانوا أصنافا منهم من ارتد عن الملة ودعا إلى نوبة مسيلمة وغيره ومنهم من ترك الصلاة والزكاة وأنكر الشرائع كلها وهؤلاء هم الذين سماهم الصحابة كفارا ... فأما مانعو الزكاة منهم المقيمون على أصل الدين فإنهم أهل بغي ولم يسموا على الانفراد منهم كفارا وإن كانت الردة قد أضيفت إليهم لمشاركتهم المرتدين في منع بعض ما منعه من حقوق الدين وذلك أن الردة اسم لغوي وكل من انصرف عن أمر كان مقبلا عليه فقد ارتد عنه»

۹۳ . فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر ۱۲ / ۲۷۶ : «قال القاضي عياض وغيره كان أهل الردة ثلاثة أصناف صنف عادوا إلى عبادة الأوثان ...»

۹۴ . اسود عنسی ، توسط فیروز و ذاذویه - رضی الله عنهما - از حکام ایرانی یمن که مسلمان شده بودند ، کشته شد. (الفصل فی الملل والأهواء والنحل لابن حزم ۲ / ۶۷)

۹۵ . فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر ۱۲ / ۲۷۶

۹۶ . الفصل فی الملل والأهواء والنحل لابن حزم ۲ / ۶۷ : «فلم يمض عام واحد حتى راجع الجميع الإسلام أولهم عن آخرهم وأسلمت سجاح وطلحة وغيرهم» . یعنی : «یک سال تمام نشد تا اینکه همه ی [مرتدین] اولشان از آخر به اسلام بازگشتند و سجاح و طلحه و سایرین مسلمان شدند.» ، طلحه اسدی ، مدعی نبوت ، توبه کرد و به اسلام بازگشت و در فتح قادسیه [یا نهاوند] به شهادت رسید. (الاستیعاب فی معرفة الأصحاب ابن عبدالبر ۲ / ۷۷۳) ، سجاح بنت حارث که مدعی نبوت بود با مسیلمه ازدواج کرد و بعد از کشته شدن مسیلمه ، توبه کرد و مسلمان شد و تا خلافت معاویه بن ابی سفیان در قید حیات بود. (الإصابة فی تمييز الصحابة لابن حجر ۸ / ۱۹۸)

۹۷ . سيرة أبي بكر الصديق - الصلابي ، ص ۲۰۳ ؛ به طور نمونه در جنگ یمامه که تصادم لشکر اسلام با لشکر مسیلمه کذاب بود ، شمار زیادی از مسلمانان بین ۱۴۵۰ تا ۱۷۰۰ نفر شهید شدند و در برخی از روایات ۱۲۰۰ شهید بیان شده است که برخی روایات منفردا تا ۱۸۰۰ شهید را نیز اشاره کرده اند. (عصر الخلافة الراشدة - أكرم بن ضياء العمرى ، ص ۴۰۸)

۹۸ . سيرة أبي بكر الصديق - الصلابي ، ص ۲۰۱

۹۹ . تاریخ تمدن اسلام ، جرجی زیدان ، ۱ / ۴۲

خامسا سوزاندن<sup>۱۰۰</sup> مرتدین در عصر خلافت ابوبکر الصدیق - رضی الله عنه -<sup>۱۰۱</sup> در برخی از کتاب های تاریخی وارد شده لیکن اسناد متقنی برایش وجود ندارد که البته در تاریخ طبری که داستان مرتدین نقل شده، غالب آن از طریق سیف بن عمر (م ۱۷۱ - ۱۸۰هـ) بوده<sup>۱۰۲</sup> که این شخص نزد جمهور قریب به اتفاق علماء متروک و فاقد اعتبار است.<sup>۱۰۳</sup> و روایتی که از تاریخ طبری در مورد سوزاندن مرتدین است نیز از طریق همین سیف بن عمر می باشد.<sup>۱۰۴</sup> ناگفته نماند که مرتدین دارای لشکر منسجم و تجهیزات جنگی بودند و جنگ مسلمانان با مرتدین در واقع تقابل دو لشکر مرتد[حربی] و مسلمان با یکدیگر است.

سادسا در هیچ یک از روایات نیامده است که امام علی - رضی الله عنه - در جریان جنگ با مرتدین عصر خلافت سیدنا ابوبکر الصدیق - رضی الله عنه - ، ایشان کسی را با آتش سوزانده باشد و آنچه که در تاریخ طبری در باب حرکت ارتداد و مقابله با آنها در عصر خلافت خلیفه ی اول آمده ، ذکری از امام علی - رضی الله عنه - به میان نیامده است بلکه تنها موردی که مربوط به ایشان می شود در زمان خلافت خود ایشان بوده است که قبلا تفصیلات آن گذشت.

### امام علی و ایرانیان و قهرمان کشتار جمعی!

معترض می گوید: « آفرین بر شما ایرانیان حالا امروز تولد این قهرمان کشتار جمعی رو به پدرا تون تبریک بگید... کسی که ازش براتون فرشته ساختند ، یک قاتل خشن بوده.. در پناه خرد..»

۱۰۰. سوزاندن دشمن - کفار - با آتش در جنگ ، جایز نیست مادامی که بر آنها قادر شد ، بر این قول تا آنجا که معلوم است بین اهل علم خلافتی نیست ، و ابوبکر الصدیق - رضی الله عنه - به سوزاندن مرتدین با آتش فرمان می داد و خالد بن ولید این کار را به فرمان او انجام داد ، اما امروز بین مردم خلافتی نیست که جایز نمی باشد. (المغنی لابن قدامة ۹ / ۲۸۶ - ۲۸۷) ، نص صریح پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - از سوزاندن مخلوقات با آتش دلالت دارد همانطور که می فرماید: « لا یعذب بالنار إلا رب النار » ، یعنی : « با آتش تعذیب نمی کند مگر پروردگار آتش » ، (مصنف عبد الرزاق ۵ / ۲۱۴ ح ۹۴۱۸ ؛ سنن أبی داود ۳ / ۵۴ ح ۲۶۷۳ ؛ سنن سعید بن منصور ۲ / ۲۸۵ ح ۲۶۴۳) ، این صحیح است و جایز نمی باشد هیچ کس را در ابتداء با آتش سوزاند تا زمانی که آنچه را خداوند متعال بر او حرام کرده است. (المحلی بالآثار لابن حزم ۱۰ / ۲۶۳) . این حدیث و احادیث مشابه آن که مدلول نهی از سوزاندن کفار با آتش است ، ناسخ تمام احادیثی می باشد که بر سوزاندن با آتش حکم شده است. سلف صالح در سوزاندن با آتش ، اختلاف دارند ، عمر بن خطاب و ابن عباس مطلقا آنرا جایز نمی دانند فرقی ندارد به سبب کفر باشد و یا از جهت قصاص باشد، علی و خالد بن ولید آنرا جایز دانستند. برخی استناد کردند به عمل ابوبکر که فرمان به سوزاندن مرتدین را داده و نیز داستان عرنیین که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - چشم یکی از آنها را در قصاص با آهن گوداخته کور کرد ؛ پاسخ آن چنین است که ، در آن دلیلی برای جواز نیست چرا که اولاً داستان عرنیین از جهت قصاص بوده و یا اینکه منسوخ شده است و ثانیاً جواز صحابی تعارض دارد با منع صحابی دیگر بنابراین در هر دو حالت حجتی برای جواز نیست. بنگرید به : (إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری - القسطلانی ۵ / ۱۴۸ ؛ عون المعبود شرح سنن أبی داود - العظیم آبادی ۷ / ۲۳۹)

۱۰۱. با اسناد ضعیف - منقطع و وجود راوی ضعیف - از عروه بن زبیر - رحمه الله - (م ۷۴هـ) ، روایت شده است که می گوید: « کانت فی بنی سلیم ردة، فبعث إلیهم أبو بکر خالد بن الولید، فجمع منهم أناسا فی حظيرة حرقها علیهم بالنار، فبلغ ذلك عمر، فأتی أبا بکر، فقال: انزع رجلا یعذب بعذاب الله... » ، یعنی: « بنی سلیم مرتد شدند و ابوبکر ، خالد بن ولید را به سوی آنها فرستاد ، و او بعضی از مردم آنجا را در جایی جمع کرد و بر بالایشان آتش انداخت، این موضوع به عمر رسید ، نزد ابوبکر آمد و فرمود: مانع این مرد (خالد) بشو ، دارد با عذاب خدا ، تعذیب می کند. » ، (مصنف ابن أبی شیبة ۶ / ۵۴۷ ح ۳۳۷۲۵) ، با توجه به این اثر - هرچند ضعیف السند است - عمل خالد بن ولید اشتباه بوده و امام عمر بن خطاب نسبت به این عمل خالد واکنش شدید نشان داده است و برای منع سوزاندن به حدیث پیامبر - صلی الله علیه و سلم - استناد نموده است.

۱۰۲. عصر الخلافة الراشدة ، صص ۲۰ و ۳۹۰

۱۰۳. سلسلة الأحادیث الضعیفة للآلبانی ۱۱ / ۷۴۸

۱۰۴. البداية والنهاية لابن کثیر ۶ / ۳۴۸ : « رواه سيف بن عمر عن عبد الله بن سعيد عن عبد الرحمن بن كعب بن مالك. » ، همچنین بنگرید به : (تاریخ الطبری ۳ / ۲۵۰ : حدثنا السري، قال: حدثنا شعيب، عن سيف، عن عبد الله بن سعيد، عن عبد الرحمن بن كعب بن مالك ... الخ)

پاسخ:

اولا ذم مذمومین در حق محمودین خود جای بحث دارد ، کسانی که مدعی وطن دوستی (شما بخوانید وطن پرستی) هستند چه می دانند علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - کیست؟! کسانی که دائما از وجاهت و بزرگی شاهان ایران باستان با افتخار دم می زنند در حالی که جنایات این شاهان بر کسی پوشیده نیست، چه می دانند علی بن ابی طالب کیست؟! علی بن ابی طالب کسی است که «در جوانی نمونه کامل تواضع و تقوا و نشاط و اخلاص در راه دین بود. هنگامی که به خلافت رسید ۵۵ سال داشت ... خوش محضر و نیکوخال و پراندیشه و درست پیمان بود.»<sup>۱۰۵</sup>، بلکه این سخن آقای ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» در تمجید علی - رضی الله عنه - است. خلفای راشدین که امام علی - رضی الله عنه - چهارمین آنها است ، خوراکشان با خوراک فقیرترین مردم یکسان بود و البته از ناداری و ناتوانی آنطور گذران نمی کرد بلکه برای دلجوئی و برابری با مردم فقیر به خود سختی می داد و عایدات املاک شخصی که به نسبت زیاد بود را تماما به مصرف فقراء می رسانید و به ملک و مال اعتنا نداشت.<sup>۱۰۶</sup>

ثانیا جا دارد که معنای واقعی قهرمان کشتار جمعی ، قاتل خشن و البته شهوت پرست را در بین پادشاهان و سرداران ایران باستان جستجو کنیم که نزد این قوم مایه ی افتخار و مباهات می باشد.

## قهرمان و قاتل خشن واقعی، کیست؟!

### ۱. کوروش کبیر ، شورش و جمع آوری غنائم

حسن پیرنیا در کتاب «تاریخ ایران» می نویسد:

«او (شاه ماد) قشونی جمع کرده به جنگ کوروش رفت و لیکن قشون او یاغی شد و ایخ تووی گو را گرفته تسلیم کوروش نمود. پس از آن کوروش همدان را تسخیر کرد و طلا و نقره و ثروت زیادی به دست او آمد و تمام غنائم را به انزان برد.»<sup>۱۰۷</sup> و «پس از تسخیر همدان مملکت مدی در تحت سلطه کوروش در آمد و بزرگ شدن پارس باعث تشویش دول هم جوار و غیر هم جوار گردید.»<sup>۱۰۸</sup>

### ۲. جنایت کمبوجیه پسر کوروش کبیر

«[بردیا] چون طرف توجه مردم شده بود، کمبوجیه او را رقیب خود دانسته مخفیانه کشت ، کمبوجیه بعد از فوت پدر به خیال ادامه جهانگیری پارس افتاد ، ولیکن برای اجرای این خیال بدوا لازم بود آرامش و

۱۰۵ . تاریخ تمدن ۴ / ۲۴۶

۱۰۶ . تاریخ تمدن اسلام ، جرجی زیدان ، ۱ / ۶۱ ، همچنین برای اطلاع از ادامه سخن جرجی زیدان در مورد زهد، تقوا و دادگری امام علی - رضی الله عنه - بنگرید به : ( ۲ / ۲۲۲ ) از تاریخ تمدن اسلام.

۱۰۷ . تاریخ ایران ، حسن پیرنیا ، ص ۶۵

۱۰۸ . منبع قبل ، ص ۶۸

سکونتی در تمام ممالک تابعه برقرار نماید. چه بعد از فوت کوروش بعضی از ایالات در حال شورش و طغیان بودند. بنابراین مدت سه سال کمبوجیه به مطیع کردن ایالات پرداخت و در سال ۵۲۶ ق.م عازم تسخیر مصر گردید.<sup>۱۰۹</sup> «مؤرخین یونانی نوشته اند که کمبوجیه چون مرض صرع داشت موفق نشدن او در ممالک مزبور، باعث شدت مرض او شد و گرفتار حالت جنونی گردید. در این حال سفاک های زیادی و کارهای بسیار بی رویه از او سر زد. از جمله خواهر خود رکسانا را کشت - دوازده نفر از همراهان نامی خود را زنده بگور کرد - به گاو مقدس مصری ها که آپیس نام داشت ، زخمی زد که باعث هلاکت گاو گردید و در اثر این اقدام مصریها فوق العاده از ایرانی ها متنفر شدند، کروزوس پادشاه سابق لیدی را حکم کرد بکشند و بعد این حکم را تغییر داد و با وجود این مأمور این امر را برای این که در اجرای حکم تعلل کرده بود ، به قتل رسانید.»<sup>۱۱۰</sup>

### ۳. سرکوب مردم (شورشیان) توسط داریوش بزرگ

«در اواخر سلطنت کمبوجیه به واسطه غیبت طولانی او از ایران و خروج بردیای دروغی بر او تمام ایالات ایران تقریباً در حال شورش و طغیان بود. ابتداء شورش از عیلام (خوزستان) شروع شد. بعد به بابل سرایت کرد و بعد از آن ممالک مدی و پارت (خراسان) و گرگان و ارمنستان و غیره شوریدند. در خود پارس نیز اغتشاشی روی داد و بعد از بردیای دروغی اول ، بردیای دوم پیدا شد. کارهای او (داریوش) در این قسمت موافق کتیبه بیستون و هرودوت از این قرار است: شورش از عیلام شروع شد و یکی از اعقاب سلاطین سابق آن که اترین نام داشت بر داریوش خروج کرد، او قشونی به شوش فرستاد و یاغی را گرفته کشتند...»<sup>۱۱۱</sup> «زارعین به واسطه مالیات های گزاف در سال آخری سلطنت داریوش شوریدند و کمی پس از آن این شاه در گذشت. (۴۸۶ ق.م) سفرهای جنگی که داریوش برای اسکات ممالک کرده ، بیست فقره بوده است و هفت سال در مجادله گذرانیده و نه نفر را که خروج کرده خود را پادشاه خوانده اند ، داریوش و سرکردگان او معدوم کرده اند.»<sup>۱۱۲</sup> «داریوش در مدت دو ماه از رود دانوب تا تائانیس (دن امروزی) و قلب مملکت سک ها (روسیه کنونی) پیش رفت و شهرها را آتش زده غنائم زیادی بر گرفت.»<sup>۱۱۳</sup>

«بیدرنگ پس از به تخت نشستن داریوش یکم بابلی ها علیه او به پا خاستند، بنا به آنچه که از کتیبه بیستون برمی آید، شخصی به نام نیدینتو- بل خود را پسر آخرین پادشاه بابل نابونید شناساند و علیه داریوش قیام کرد. داریوش شخصاً برای سرکوبی این قیام به بابل لشکر کشید. در ۱۳ دسامبر ۵۲۲ ق.م. در

۱۰۹. منبع قبل ، ص ۷۵

۱۱۰. منبع قبل ، صص ۷۶ - ۷۷

۱۱۱. تاریخ ایران ، حسن پیرنیا ، ص ۷۹ ، برای ادامه مطلب در خصوص سرکوب مردم توسط داریوش به صص ۸۰ - ۸۱ همین منبع مراجعه شود.

۱۱۲. منبع قبل ، ص ۸۳

۱۱۳. منبع قبل ، ص ۸۶

کنار رود دجله بابلها به سختی شکست خوردند و پس از ۵ روز داریوش پیروزی تازه ای در کنار رود فرات به دست آورد. پس از این پیروزی، پارسها وارد بابل شدند و رهبران قیام را اعدام کردند. هنگامیکه داریوش سرگرم سرکوبی بابلی ها بود، پارس ها، مادها، ایلامی ها، مارگیانی ها، پارت ها، ساتاگیدها عشایر آسیای میانه و مصری ها سر به شورش برداشتند. نبردهای طولانی و خونینی برای سرکوبی این شورشیان آغاز گردید. ساتراپ باختر به نام دادار- شیش برای سرکوبی قیام کنندگان مارگیانی مأمور شد، در دهم دسامبر ۵۲۲ ق. م. مارگیانی ها شکست خوردند. پس از این شکست، کشتار مغلوبان آغاز گردید، بیش از ۵۵ هزار تن از مارگیانی ها کشته شدند.<sup>۱۱۴</sup>

امیر حسن خنجی در کتاب «تاریخ ایران» ، درباره ی «داریوش بزرگ» و نحوه مقابله با شورشیان و سرکوب آنان ، می نویسد:

«داریوش فرماندهی قاطع و بی گذشت بود. او نسبت به سرکشان و شورشگران مدارا نمی کرد و چون بر آنها دست می یافت در مجازاتشان نسبتا بی رحمانه (!) رفتار می کرد. درآوردن چشم و بریدن گوش و بینی و به نمایش نهادن مذلت آمیز مدعیان شکستخورده سلطنت از روشهای کیفردهی او بود. تدبیرهای قاطعانه او وی را در ۱۹ جنگ بزرگ که کمتر از ۲ سال وقت گرفت پیروز درآورد و امنیتی سراسری را در کشور پهنآور او که میراث کوروش و کام بوجیه بود برقرار کرده سلطنت او را تثبیت نمود و به او امکان داد که در غیاب هر صدای مخالفی کوس مشروعیت مطلق بنوازد و خویشتن را مورد حمایت خدای جهان بنامد.»<sup>۱۱۵</sup>

حسن پیرنیا در باره ی سلطنت هخامنشیان و پادشاهان آنها می نویسد:

«از شاهان این خانواده فقط کوروش بزرگ و داریوش اول را می توان از شاهان بزرگ ایران و بلکه عالم دانست چنان که از کارهایی که کرده اند ، پیداست باقی اشخاصی بودند قوی الاراده ولیکن سفاک و بی رحم که به واسطه کارهای بی رویه مردم را از خود متنفر نمودند.»<sup>۱۱۶</sup>

#### ۴. شخصیت خشایار شاه و جنایات او

«خشایارشاه در سن ۳۴ سالگی به تخت سلطنت جلوس کرد و شاهی بود ظاهرا آراسته و با رفتار نجیبانه ، ولیکن از حیث طینت شخصی بود سفاک و شهوت پرست و تنبل»<sup>۱۱۷</sup>. در ابتداء سلطنت خود توجه خود را به طرف مصر که شوریده بود و شخصی (خابیsha) نام آن جا سلطنت می کرد ، معطوف داشت و آتش شورش را

۱۱۴ . تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز ، گرانتوسکی، صص ۸۰ - ۸۱

۱۱۵ . تاریخ ایران ، امیر حسین خنجی ، ص ۲۸۵

۱۱۶ . تاریخ ایران باستان ، ص ۱۱۲

۱۱۷ . برای قضاوت درباره ی خشایار شاه و اعمال او بنگرید به : ( تاریخ ایران باستان ، حسن پیرنیا ، ص ۱۰۰ )

خوابانید. (۴۸۴ ق.م) بعد شورش بابل را برطرف کرد. بدین معنی که آن شهر را بعد از چند ماه محاصره گرفت. این دفعه بر خلاف دفعات گذشته شهر دچار غارت شد. هرچه در معابد بود، به یغما رفت و خزانه رب النوع بزرگ بابلی ها (بل ماردوک) نصیب فاتحین گردید و جمعی از اهالی را اسیر کرده به جاهای دیگر بردند. پس از این واقعه بابل دیگر کمر راست نکرد.<sup>۱۱۸</sup>

«در پایان سال ۵۲۴ ق. م. کامبیز به پایتخت مصر ممفیس بازگشت و خیزشی را که مصریان علیه دولت پارس آغاز کرده بودند، درهم کوبید. در ماه مارس ۵۲۲ به او خبر رسید که برادر کوچکش به نام بردیا در پارس سر به شورش برداشته و خود را پادشاه نامیده است. کامبیز با شتاب به سوی پارس رهسپار شد، اما در میان راه با وضع رازآمیزی درگذشت. در کتیبه بیستون به گونه مشروح این رویداد را چنین بیان میکند: کامبیز پیش از لشکرکشی به مصر به گونه پنهانی فرمان داد برادر کوچکش بردیا را بکشند، او میترسید که برادرش در غیاب او تخت سلطنت را غصب کند، هنگامی که کامبیز در مصر به سر میبرد یکی از مغهای درباری به نام گوماتا خود را بردیا یعنی پسر کورش شناساند و قدرت را در پارس به دست گرفت. تاریخ نگاران یونان باستان یعنی هردوت و کتسی تأیید میکنند که این مغ بسیار به پسر کوچک کورش می مانست و او توانست به نام بردیا تخت سلطنت را اشغال کند. چند تاریخ نگار معاصر معتقدند که بردیا و گوماتا یکی بوده اند و این شخص کسی جز پسر کوچکتر کورش نبوده است.»<sup>۱۱۹</sup>

از دیدگاه حسن پیرنیا، یگانه چیزی که ایران از ممالک تابعه می خواست، این بود که «همه اهالی خود را بندگان شاه ایران بدانند، یعنی مالیات های مقرر را بپردازند و قشونی در موقع جنگ به جاهای لازم بفرستند. به عبارت دیگر شاه پرستی شعاری بود که وحدت دولت ایران روی آن بنا شده بود و برای حفظ این وحدت در زمان داریوش به ممالک وسیعه تشکیلاتی داده شد.»<sup>۱۲۰</sup>

## ۵. سورن سردار نامی ایران، وجاهت زنانگی و شهوت پرستی او

پلوتارخس درباره ی سورن می نویسد:

«سورن در ثروت و بزرگی، و افتخار بعد از شاهنشاه شخص اول ایران بود. از حیث فضیلت و لیاقت سرآمد پارتیان بشمار می آید. از لحاظ بلندی بالا و حسن اندام مانند نداشت. هنگام لشکرکشی هزار شتر باروبنه او را میبرد و دویست ارابه مخصوص حمل همسران و همخوابگان او بود. هزار سوار زره پوش و عده بیشتری سرباز سبک اسلحه در رکاب او میرفت. زیرا او روی هم ده هزار سوار داشت، که قسمتی از گماردگان و قسمتی از

۱۱۸. منبع قبل، ص ۹۵

۱۱۹. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، گرانتوسکی، ص ۸۰

۱۲۰. بنگرید به: تاریخ ایران، حسن پیرنیا، ص ۱۱۴

بندگان او بودند. در روز نبرد خود را می آراست و زینت میکرد و در پیشاپیش سپاه خود قرار می گرفت. دلیری او بحدی مشهور بود، که با وجاهت زنانه او نمیساخت، زیرا که سورن بنابر رسم مادها روی خود را غازه می بست و آرایش میکرد و گیسوان خود را بدو قسمت مینمود، اما سایر پارت ها گیسوان را برسم سک ها بلند و ژولیده می گذاشتند تا هیبتی وحشتناک داشته باشند. سورن حرم خود را همراه میبرد و در عین جنگ شبها را به عیش و نوش و شرابخواری و استماع موسیقی و آواز و تفریح می گذرانید.<sup>۱۲۱</sup>

## ۶. جنایات اشکانیان

«سلاطین اشکانی بیرحمانه افراد خاندان خود را می کشتند. مردم ناراضی عاقبت کسی را، که از قتل عام جان سلامت برده بود، می یافتند و او را در کشیدن انتقام مدد میکردند.»<sup>۱۲۲</sup>

## ۷. جنایات قباد و پسرش خسرو

«قباد با اشراف آشتی کرد و از پشتیبانی مزدکیان دست برداشت، و به سال ۵۲۹ برآن شد آنها را سرکوب کند، اما این کار را پسرش خسرو انجام داد: خسرو از راه فریب، رهبر مزدکیان و همه پیروانش را به دام انداخت و آنها را قتل عام کرد، پس از این جریان در همه جا پیگرد و فشار ددمنشانه ای علیه مزدکیان آغاز گردید، مزدکیان را بگونه دسته جمعی بازداشت و اعدام میکردند.»<sup>۱۲۳</sup>

## ۸. لشکر کشی خسرو پسر قباد به روم و کشتار ناجوانمردانه مردم سورا

«خسرو پسر قباد در آغاز بهار با لشکری بزرگ به خاک روم حمله برد و رسماً پیمان صلح دائمی را نقض نمود...»<sup>۱۲۴</sup>، سپس «به شهر سورا واقع در ساحل فرات رسید»<sup>۱۲۵</sup>، مردم سورا وقتی که دیدند تاب مقابله با لشکر خسرو را ندارند، نمایندگانی برای تسلیم نزد خسرو فرستادند و خسرو نیز با خدعه ای، تقاضای آنها را پذیرفت لیکن «هنوز مردم شهر تصور خدعه ای نمی کردند و گمان خطری برای خود نمی بردند که سپاه ایران مانند سیل هجوم آورد و دروازه را به زور گشود و وارد شهر شد خسرو از غایت خشمی که داشت فرمان به غارت و تاراج خانه ها داد و گروه بسیاری از مردم را به هلاکت رسانید و دیگران را اسیر نمود و سپس شهر را آتش زد و در اندک مدتی آنرا با خاک یکسان ساخت.»<sup>۱۲۶</sup>

۱۲۱. ایران در زمان ساسانیان، صص ۴۸ - ۴۹

۱۲۲. منبع قبل، ص ۴۹

۱۲۳. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، گراتوسکی، ص ۱۶۸

۱۲۴. جنگ های ایران و روم، پروکوپئوس، ص ۱۳۰

۱۲۵. منبع قبل، ص ۱۳۱

۱۲۶. منبع قبل، ص ۱۳۳



«لشکریان خسرو پرویز سه بار (در سالهای ۶۰۸ ، ۶۱۵ ، ۶۲۶) به آسیای صغیر هجوم بردند و به بسفر رسیدند، قسطنطنیه مورد تهدید قرار گرفت. ... ایرانیان ضمن تصرف استانهای بیزانتین غنائم جنگی عظیم و اسیران فراوانی به چنگ آوردند و خزانه شاه و اشراف نظامی را از این غنائم پر کردند. اینگونه به سال ۶۰۸ میلادی درآمد خزانه شاه فقط ۶۰۰ میلیون درهم پول نقد بود، به سال ۶۲۰ خزانه شاه، ۱۶۰۰ میلیون درهم پول نقد پول مسکوک داشت. اما این ثروت بار بی ثمری بود که به خزانه شاه تحمیل شد. مردم ایران در پی جنگ های طولانی به فرسودگی گرائیده بودند، فشار سنگین مالیاتها که بایستی کسری ۲۰ ساله را هم می پرداختند، آنها را از پای درآورد.»<sup>۱۲۷</sup>

این مواردی که از کتاب های تاریخی مربوط به ایران باستان و جنایات سلاطین و شاهان و سرداران آنها نقل شد ، تنها گوشه ای از این جنایات ها و سرکوبی های خونخوارانه ی آنها می باشد که از باب خصم و الزام مخالف به آنچه معتقد اند بیان کردیم ، از این جهت که این اسلام ستیزان ایران پرست دائما در پی خدشه دار کردن شخصیت های بارز و نمونه ی تاریخ اسلام هستند لذا ما نیز در پاسخ به آنها این مطالب را عینا از کتاب های تاریخی که بعضا توسط نویسندگان غیر مسلمان و یا محققان ایران شناس به رشته تحریر در آمدند ، نقل کردیم تا آنها باشند بار دیگر ، رجال و شخصیت های اسلامی را با ذهنیت خطیء خودشان و بدون مطالعه ی جامع درباره آنان ، بلکه با افکار خودشان به بار سخره نگیرند.

## منابع و مأخذ:

## الف) قرآن و تفسیر

١. قرآن کریم
٢. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن للبغوی ؛ الناشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت الطبعة : الأولى ، ١٤٢٠ هـ
٣. تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر ؛ الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م

## ب) کتاب های حدیث و شرح

٤. صحیح البخاری ؛ الناشر: دار طوق النجاة الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ
٥. صحیح مسلم ؛ الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت
٦. صحیح ابن حبان ؛ الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت الطبعة: الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣ م
٧. المستدرک علی الصحیحین للحاکم ؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠ م
٨. سنن الترمذی ؛ الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م
٩. سنن أبي داود ؛ الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بیروت
١٠. سنن سعيد بن منصور؛ الناشر: الدار السلفية - الهند الطبعة: الأولى، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٢ م
١١. مصنف عبد الرزاق ؛ الناشر: المجلس العلمي - الهند الطبعة: الثانية، ١٤٠٣ هـ
١٢. مصنف ابن أبي شيبة ؛ الناشر: مكتبة الرشد - الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ
١٣. السنن الكبرى للبيهقي ؛ الناشر: دار الكتب العلمية، بیروت - لبنان الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م
١٤. المعجم الأوسط للطبراني؛ الناشر: دار الحرمين - القاهرة
١٥. المعجم الكبير للطبراني ؛ دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الثانية
١٦. مسند أبي يعلى الموصلي ؛ الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤ م
١٧. مسند الشاميين للطبراني ؛ الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤ م
١٨. الورع لابن أبي الدنيا ؛ الناشر: الدار السلفية - الكويت الطبعة: الأولى، ١٤٠٨ - ١٩٨٨ م
١٩. حلية الأولياء لأبي نعيم الأصبهاني ؛ الناشر: السعادة - بجوار محافظة مصر، ١٣٩٤ هـ - ١٩٧٤ م
٢٠. الزهد الكبير للبيهقي ؛ الناشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بیروت الطبعة: الثالثة، ١٩٩٦ م
٢١. الزهد لأحمد بن حنبل ؛ الناشر: دار الكتب العلمية، بیروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م
٢٢. فضائل الصحابة لأحمد بن حنبل؛ الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣ م
٢٣. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة - الألباني ؛ دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢ م
٢٤. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج - النووي ؛ الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت الطبعة: الثانية، ١٣٩٢ هـ
٢٥. فتح الباري شرح صحيح البخاري - ابن حجر العسقلاني ؛ الناشر: دار المعرفة - بیروت، ١٣٧٩ هـ
٢٦. إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري - القسطلاني ؛ الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر الطبعة: السابعة، ١٣٢٣ هـ
٢٧. العرف الشذی شرح سنن الترمذی - کشمیری ؛ الناشر: دار التراث العربي - بیروت، لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م
٢٨. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی - المباركفوري ؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت
٢٩. عون المعبود شرح سنن أبي داود - العظیم آبادي ؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت الطبعة: الثانية، ١٤١٥ هـ

## ج) کتاب های تاریخ ، سیره و تراجم

٣٠. السيرة النبوية لابن هشام ؛ الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر الطبعة: الثانية، ١٣٧٥هـ - ١٩٥٥ م
٣١. تاريخ خليفة بن خياط ؛ الناشر: دار القلم ، مؤسسة الرسالة - دمشق ، بيروت الطبعة: الثانية، ١٣٩٧هـ
٣٢. الفتنة ووقعة الجمل - سيف بن عمر ؛ الناشر: دار النفائس الطبعة: السابعة ١٤١٣هـ/١٩٩٣م
٣٣. فتوح البلدان - البلاذري ؛ الناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت عام النشر: ١٩٨٨ م
٣٤. الأخبار الطوال - أبو حنيفة الدينوري ؛ الناشر: دار إحياء الكتب العربي - عيسى البابي الحلبي وشركاه / القاهرة الطبعة: الأولى، ١٩٦٠ م
٣٥. العقد الفريد - ابن عبد ربه الأندلسي ؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ
٣٦. تاريخ الطبري ؛ الناشر: دار التراث - بيروت الطبعة: الثانية - ١٣٨٧ هـ
٣٧. التنبيه والإشراف - المسعودي ؛ الناشر: دار الصاوي - القاهرة
٣٨. تجارب الأمم وتعاقب الهمم - ابن مسكويه ؛ الناشر: سروش، طهران الطبعة: الثانية، ٢٠٠٠ م
٣٩. المنتظم في تاريخ الأمم والملوك - ابن الجوزي ؛ الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م
٤٠. مرآة الجنان - الياقعي ؛ الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م
٤١. الاستيعاب في معرفة الأصحاب لابن عبد البر ؛ الناشر: دار الجليل، بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م
٤٢. تهذيب الكمال في أسماء الرجال - المزي ؛ الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٠ - ١٩٨٠ م
٤٣. تاريخ دمشق لابن عساكر ؛ الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع عام النشر: ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م
٤٤. الكامل في التاريخ - ابن الأثير ؛ الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ / ١٩٩٧م
٤٥. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام - الذهبي ؛ الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت الطبعة: الثانية، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م
٤٦. البداية والنهاية لابن كثير ؛ الناشر: دار إحياء التراث العربي الطبعة: الأولى ١٤٠٨، هـ - ١٩٨٨ م
٤٧. السيرة النبوية لابن كثير ؛ الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع بيروت - لبنان عام النشر: ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٦ م
٤٨. عيون الأثر - ابن سيد الناس ؛ الناشر: دار القلم - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٤ - ١٩٩٣ م
٤٩. أسد الغابة في معرفة الصحابة - ابن الأثير ؛ الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الأولى سنة النشر: ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م
٥٠. الإصابة في تمييز الصحابة لابن حجر العسقلاني ؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ
٥١. الفخري في الآداب السلطانية - ابن الطقطقي ؛ الناشر: دار القلم العربي، بيروت
٥٢. الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م
٥٣. الفصل في الملل والأهواء والنحل - ابن حزم ؛ الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة
٥٤. تجارب السلف ، هندوشاه فنجواني ، نسخه خطي كتابخانه مجلس شوراي ملي شماره ٧٨٠٥
٥٥. عصر الخلافة الراشدة - أكرم بن ضياء العمري ؛ الناشر: مكتبة العبيكان
٥٦. سيرة أبي بكر الصديق - الصلابي ؛ الناشر: دار التوزيع والنشر الإسلامية، القاهرة - مصر عام النشر: ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م
٥٧. سيرة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب - الصلابي ؛ الناشر: مكتبة الصحابة، الشارقة - الإمارات عام النشر: ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م
٥٨. المغول بين الانتشار والانكسار - الصلابي ؛ الناشر: الأندلس الجديدة، مصر الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م

#### (د) كتاب های فقهی

٥٩. الحلى بالآثار - ابن حزم ؛ الناشر: دار الفكر - بيروت [الطبعة: بدون طبعه وبدون تاريخ]
٦٠. المغني لابن قدامة ؛ الناشر: مكتبة القاهرة تاريخ النشر: ١٣٨٨هـ - ١٩٦٨م
٦١. مجموع الفتاوى - ابن تيمية ؛ الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية عام النشر: ١٤١٦هـ/١٩٩٥م

هـ) کتاب های مستشرقین ، تاریخ باستان ایران ، کتاب مقدس (تورات )

۶۲. قصة الانسان ، جورج حنا ، الناشر: دار العلم للملايين ، بيروت ، الطبعة السادسة ، ايار (مايو) ، ۱۹۷۹ م
۶۳. اربابان جديد دنيا ، جان پيلجر ، ترجمه مهنراز شهابی و مهرداد شهابی ، نشر اختران چاپ اول ۱۳۸۸
۶۴. تاريخ تمدن ، ويل دورانت ، ترجمه احمد آرام و ديگران ، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ، چاپ چهارم ۱۳۷۳
۶۵. تاريخ تمدن اسلام ، جرجی زیدان ، ترجمه علی جواهری کلام ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۷۲
۶۶. تاريخ باستان ، حسن پیرنیا ، انتشارات دبیر ، تهران ، چاپ سوم ۱۳۹۲
۶۷. ايران در زمان ساسانيان ، آرتور کریستن سن ، ترجمه رشید یاسمی ، [ویرایش چهارم] نشر دنیای کتاب ، تهران ، ۱۳۶۸
۶۸. تاريخ ايران از زمان باستان تا امروز ، آ.ا. گرانوسکی و ديگران ، ترجمه کیخسرو کشاورزی ، نشر مروارید ، تهران ۱۳۸۵
۶۹. جنگ هاي ايران و روم ، پروکوپيوس ، ترجمه محمد سعیدی ، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ۱۳۸۲
۷۰. تاريخ ايران ، امير حسين خنجي ، نسخه ي الكترونيكي منتشر از سايت ايران تاريخ
۷۱. کتاب مقدس ، ترجمه مژده برای عصر جدید ، ۲۰۱۲ م

و) کتاب های اهل تشیع

۷۲. الكافي للكليني ؛ناشر: دار الكتب الإسلامية تاريخ نشر: ۱۴۰۷ هـ ق ، چاپ: چهارم ، تهران- ايران
۷۳. تهذيب الأحكام للطوسي ؛ ناشر: دار الكتب الإسلامية ، تاريخ نشر: ۱۴۰۷ هـ ق ، چاپ: چهارم ، تهران- ايران
۷۴. رجال الكشي - اختيار معرفة الرجال ؛ ناشر: مؤسسه نشر در دانشگاه مشهد ، تاريخ نشر: ۱۴۹۰ هـ ق ، مشهد- ايران
۷۵. وسائل الشيعة للحر عاملي؛ ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، تاريخ نشر: ۱۴۰۹ هـ ق ، چاپ: اول ، قم- ايران
۷۶. لوامع صاحبقراني المشتهر بشرح الفقيه - مجلسي اول ؛ ناشر: مؤسسه اسماعيليان ، تاريخ نشر: ۱۴۱۴ هـ ق ، چاپ: دوم، قم- ايران
۷۷. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه - مجلسي اول؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، تاريخ نشر: ۱۴۰۶ هـ ق ، چاپ: دوم ، قم- ايران

هـ) نرم افزار های کتاب

۷۸. مکتبه الشاملة ، الاصدار ۳، ۴۷
۷۹. کتابخانه بزرگ فقهی (جامع فقه اهل البيت)

وبسایت رد شبهات ملحدین: [No-Atheism.com](http://No-Atheism.com)

کانال تلگرام رد شبهات ملحدین: [@no\\_atheism](https://t.me/no_atheism)

صفحه فیسبوک رد شبهات ملحدین: [facebook.com/islamway1434](https://facebook.com/islamway1434)

کانال آپارات رد شبهات ملحدین: [aparat.com/asteira](https://aparat.com/asteira)